

ایستادگی دلاورانه خلق کوبانی در مقابله با تهاجم فاشیستی داعش صفحه ۲۰	زمان آن فرا رسیده که پوتین و چین دلار کاغذ توالی آمریکا را کیش و مات کنند صفحه ۲۰	در جنبش جهانی کمونیستی صفحه ۲۰	در ایران چه می گذرد؟ صفحه ۱۱	کاهش نرخ مشارکت اقتصادی زنان طی یک سال صفحه ۷
---	---	---	------------------------------------	--

پارلمانتاریسم در بحران به دنبال راه حلهاست!

پارلمان به مثابه یک ارگان تصمیم گیری دولتهای بورژوائی از همان ابتدا به دلیل عدم اتکاء به اکثریت عظیم مردم و به مثابه ابزاری در خدمت طبقه استثمارگر و ستم گر حاکم راه رشدیابنده و تصحیح اشتباهات و تکیه به تصمیم گیریهای عادلانه را نپیموده و در شرایطی که منافع طبقاتی طبقات حاکم در یک کشور در تضاد با منافع اکثریت مردم در داخل و یا با طبقات حاکم دیگر کشورها قرار گرفته و به تصمیم های نظامی و خانمان برانداز جنگی منجر می شد، بحران پارلمانتاریسم به حدی می رسید که بعضا آن پارلمانها برچیده شده و پارلمانهای جدیدی با برخی تغییر در قوانین به نفع طبقه یا طبقات حاکم جدید، ایجاد می شدند.

یکی از بحرانهایی که به ویژه در دهها سال

بزرگداشت ۵۰ ساله گی تاسیس سازمان انقلابی!

یادآوری تاریخ تلاشهای ایده نولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی در تاریخ جنبش چپ و کمونیستی از این نظر اهمیت دارد که می تواند کمکی باشد به آموختن از تجارب گذشته گان و جلوگیری از تکرار تجارب ناموفق در گذشته که در زیر خوارها پیش قضاوتیها و بدگویی ها تبلور راستین خود را در پیشبرد مبارزه طبقاتی نیافته اند. در عین حال این روزها از تاریخ آموزنده گذشته، در میان جنبش چپ ایران ابزاری درست شده است تا نه به آموزش پرولتری، بلکه به آموزش از روشهای فرقه گرایانه و حتا شهید پرورانه که در ایران شیعه گری نمونه ی کامل آن است در غلتیده و نهایتا بازار فرقه گرایی را هرچه داغتر بکند به خصوص که باید اذعان نمود که در ایران قشر خرده بورژوازی بخش قابل ملاحظه ای

بقیه در صفحه پنجم

ایجاد تشکل سراسری کارگران: مشکلات و راه حلها!

که دولت طبقاتی که با ایده نولوژی مذهبی حکومت کند شقی ترین دولت در تاریخ است. تلاش ارزنده ی کارگران در ۱۰ سال گذشته برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری جهت مبارزه متحد در هر کارخانه در دفاع از حقوق کارگران با چنان درنده گی از جانب رژیم روبه روده که باوجود از خود گذشته گیها و قهرمانیهای فراوان کارگران در حفظ تشکلهای مستقل خود، ولی با یورش مزدوران قداره بند رژیم ، دستگیری و شکنجه و زندانی کردن فعالان این تشکلهای، رژیم نهایت ددمنشی خود را برای جلوگیری از متشکل شدن کارگران به کار بسته و در مقابل کارگران با سرفروندیابردن در برابر این همه زورگویی توانسته اند باوجود پرداخت هزینه های گرانی امر ایجاد سازمانهای مستقل خود را پیش ببرند ولی هنوز

شبح جدید در حال گشت و گذار

یک قدرت به رسمیت شناخته شده است. ۲. حال تماما وقت آن رسیده است که کمونیستها نظرات و مقاصد و تمایلات خویش را به طور آشکاری باید در برابر همه ی جهانیان بیان دارند و در مقابل به این بیان کودکانه شبح کمونیسم مانیفست کمونیسم را قرار دهند. اکنون دوران رشد دو نیروی متخاصم (بورژوازی و طبقه کارگر) تغییر یافته است: با بروز بحران بسیار سخت مالی و اقتصادی در جهان سرمایه داری، بربریتی را که این نظام با تمام وجود از کشورهای پیش رفته سرمایه داری انحصاری گرفته تا به کشورهای دیگر جهان تحمیل کرده است و زمان افول و مرگ این نظام در برابر چشمانش هویداشده است، در حالی که هم طبقه کارگر و هم آگاهی توده های وسیع

بقیه در صفحه سوم

در ایران سالهاست که نیاز به تشکل یابی کارگران در سطوح کارخانه ای، در رشته ای حرفه ای و سراسری ونهایتا تشکل سراسری کل کارگران تبدیل به مشغله ای جدی به خصوص در میان فعالان کارگری و تشکلهای چپ بوده و کارگران در مبارزات ده سال اخیر خود در امر سازماندهی تجربه فراوانی به دست آورده اند که با چه سرسختی از جانب آنها و چه شقاوتی رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی ایران برای تداوم بخشیدن به استثمار بی رحمانه و ستم قرون وسطائی و تحمیل بی حقوقی مطلق به کارگران حاضر نیست کوچک ترین گامی در احترام به این خواست به حق کارگران برداشته و برعکس هر روز که می گذرد ددمنشی آشکار خود را در برخورد به مبارزات و خواستههای کارگران نشان داده و عملکرد رژیم نشان روشنی است از این

۱۶۸ سال پیش مارکس و انگلس در شرایطی که هم نظام بورژوازی و هم جنبش کارگری آگاه - کمونیسم - در حال رشد بودند هشدار داده و نظام سرمایه داری سرکوب کمونیستها را تحت عنوان شبح سازمان داد، در "بیانیه حزب کمونیست" نوشتند: «تمام قدرتهای کهن اروپا وارد اتحاد مقدسی شده اند: پاپ و سزار، مترنخ و گیزو، رادیکالهای فرانسه و جاسوسان پلیس آلمان. کجاست آن حزب اپوزیسیونی که توسط مخالفانش در مسند قدرت نام کمونیست روی آن نگذارند؟ کجاست آن حزب اپوزیسیونی که به نوبه خود داغ اتهام کمونیسم را خواه بر پیش رفته ترین احزاب اپوزیسیون ، و خواه بر علیه رقبای ارتجاعی اش نزده باشد ؟

از این واقیعت دو نتیجه حاصل می شود: ۱. کمونیسم توسط نیروهای اروپائی به مثابه

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



ایجاد تشکل سراسری ... بقیه از صفحه اول

به قول معروف در خم یک کوچه اند. چه باید کرد؟

۱- اگر به تاریخ مبارزات کارگران در کشورهای مختلف نظری بیاندازیم، به راحتی دیده می شود که در کمتر کشوری کارگران توانسته اند تشکل سراسری مستقل و واحدی به وجود آورند. در کشورهایی هم که خود را "دموکراتیک" می نامند، تشکلهای مختلف سیاسی توانسته اند بخشی از کارگران را تحت عنوان طرفدار کمونیستها، سوسیال دموکراتها، دموکرات مسیحی ها و غیره زیر پرچم خود گردآورده و بدین ترتیب مانعی در راه وحدت سراسری کارگران شده اند، امری که نشان می دهد طبقات مختلف برای پیش بردن مصالح خود، از متشکل شدن مستقل و واحد طبقه کارگر جلوگیری نموده و خواسته اند به سود رسیدن خود به قدرت تاحدممکن از داشتن تشکل کارگری زیرنفوذ خود سوء استفاده نمایند.

بنابراین تشخیص این که چه حزب یا گروهی از منافع طبقه کارگر دفاع می نماید، به عنوان یک موضوع مهم از ابتدا در برابر سازمان دهنده گان طبقه کارگر هویدا می شود. و تحمیل تشکلهای مختلف به طبقه کارگر یک واقعیت تلخی است که هشیاری بیش از پیش کارگران را طلب می کند. فقدان حزب باثوریتبه مدافع راستین طبقه کارگر نیز خود امر تشکل یابی این طبقه را با مشکلات فراوانی روبه رو می سازد. امری که در ایران مورد توجه تشکلهای مختلف چپ نبوده و با جلب برخی از فعالان کارگری به سوی خود تابه حال دیده ایم که به فرقه گرایی در جنبش کارگری دامن زده اند که هیچ ربطی به کمک به تشکیل سازمان مستقل کارگری ندارد!

۲- سازمان یابی کارگران در سطحی فراگیر و سراسری در شرایط اختناق حاکم بر هر کشوری در شکل معمولی آن یعنی ایجاد تشکلهای در سطح اتحادیه و توده ای به صورتی علنی که مستقل از دولت باشند و نهایتا گردآمدن آنان در تشکلی سراسری که قابل فهم ترین تشکلی می تواند باشد، در شرایط کنونی سازمان یابی کارگران در ایران ممکن نیست و تلاش در این زمینه همانند انجام مبارزه مسلحانه بدون پایه توده ای می باشد که در نهایت ماجراجویانه است. چون که نه امکان آگاهی دهی به افراط طبقه کارگر به آن سهولت تحت شرایط اختناق هست که بتوان آنها را برای تشکیل سازمان

خود بسیج نمود و نه آن قدر کادر حرفه ای آگاه موجود است که بتوان آنها را در پیوند با طبقه کارگر در شرایط فقدان حزب سیاسی مدافع طبقه کارگر قوی بسیج نمود.

۳- بیان این واقعیتها آیا بدان معناست که کارگران از متشکل ساختن سراسری طبقه خود باید دست بردارند؟ مسلما نه و راههای مختلف موجود را در نهایت دقت باید پیش برد:

الف - باتوجه به این که تجاوز به حقوق کارگران به قدری در ایران گسترش یافته که روزی نیست کارگران به خاطر عدم پرداخت حقوق معوقه، جلوگیری از بی کارسازی، دست یابی به بیمه بهداشتی، تعیین مزد حداقل در هر سال و غیره دست به اعتصاب زنند. این اعتصابات اکثرا به طور جداگانه صورت می گیرند! و تمام تجربه این اعتصابات نشان داده که نتیجه ی قابل لمسی را کارگران به دست نیاورده اند.

تماس فعالان کارگری با کارگرانی که در مناطق مختلف چه در یک حرفه معین و یا نه در حرفه های دیگر در حال تدارک اعتصاب در زمینه های مشترک فوق اند و تلاش برای هماهنگ کردن خواسته های کارگری و دست زدن به اعتصاب در روزهای معینی به طور مشترک و هماهنگ و با خواسته های معین قدرت کارگران را در فلج نمودن چرخ تولید نشان خواهد داد و کسب پیروزی در این گونه سازمان دهی مبارزات خود و تکرار این گونه فعالیت مشترک بهترین درسی خواهد بود به سازمان یابی و کار متشکل و در نتیجه فراهم سازی شرایط برای تشکیل سندیکاهای کارگری. در این مورد کارخانه های بزرگ با داشتن انبوهی از کارگران می توانند هم نمونه خوب و هم به حرکت درآورنده ی کل جنبش کارگری باشند.

ب - تشکیل کمیته های مخفی کارگری در کارخانه ها جهت آگاه نمودن کارگران به خصوص از نظر فعالیت مشترک با کارگران دیگر کارخانه ها بر سر خواسته های مشترک و شرکت در مبارزات روزمره کارگران برای ایجاد پیوندی فشرده با کارگران تا در روز مناسب بتوانند حرکت جمعی کارگری را سازمان دهند بسیار ضروری می باشد و تاریخ جنبش کارگری جهان نشان داده است که چنین امکانی عملی است.

پ - این کمیته ها می توانند نقش موثری در سازمان دهی مجمع عمومی کارگران کارخانه داشته باشند و از این طریق سازماندهی سندیکای کارخانه را فراهم نمایند.

۴ - همان طور که در بالا آمد طبقه سرمایه

دارحاکم تمامی ترفندهایش را برای متفرق نگه داشتن طبقه کارگر به کار می بندد و از طرف دیگر طبق تجربه جنبش کارگری در ایران این جنبش از ابتدا رابطه ای فشرده با جنبش کمونیستی و مشخصا حزب کمونیست ایران داشته و این سابقه درخشان تاریخی را باید به حساب آورد. وقتی که امروز مدعیان جنبش کمونیستی با تفرقه دهی تشکل را به وجود آورده و هر تشکلی به نوبه خود و با سیاست خود در این جنبش فعالیت می نماید، نتیجه مسلم آن ایجاد تشتت نظری و سازمانی در درون جنبش کارگری شده و فرقه گرایی خرده بورژوائی را که با بینش کارگری بیگانه می باشد در درون آن رواج می دهند. بنابراین امروز یک دلیل مهم در عدم پیش روی جنبش کارگری از نظر تشکل یابی، وجود تشکلهای سیاسی مختلف چپ است که به جای این که در جنبش کارگری به تسریع سازمان یابی بپردازند، به مثابه ترمزی در آن عمل می کنند. به همین دلیل بود که مارکس و انگلس تاکید نمودند تا زمانی که هنوز ضرورت ایجاد حزب کمونیست در جنبش کارگری به وجود نیامده باشد، تشکلهای چپ نقشی مثبت در پیش روی جنبش کارگری دارند. به محض این که این ضرورت آشکار شد و حزب ایجاد نگشت وجود این تشکلهای چپ به مثابه ترمزی در پیش روی این جنبش عمل خواهند کرد. به این اعتبار، ایجاد حزب کمونیست سراسری ایران گام مهمی در وحدت دهی کارگران در تشکل سراسری خواهد بود.

۵ - اگر به پراتیک اخیر تعدادی از فعالان کارگری در تلاش برای ایجاد تشکل سراسری کارگری دقت کرده باشیم، این حرکت به تمامی از فرقه گرایی در خدمت طبقات غیرپرولتری و یا امپریالیسم رنج برده و به حق اعتراض بسیاری از تشکلهای چپ را برانگیخت. در عین حال به غریزه طبقاتی خودکارگران نیز باید توجه نمود که به ساده گی حاضر به رفتن زیر بال چنان سازمان سازی بوروکراتیک نخواهند شد! در شرایط فقدان اتحادیه های کارگری در رشته های مختلف و در شرایط عدم حضور آنها در ساختن تشکل کارگری سراسری به معنای تابلو زدن بر سر در مدرسه ای است که هیچ دانش آموزی در آن نیست و لذا حرکتی جدا از توده کارگران می باشد.

۶- بنابراین چه که گذشت، اگر ایجاد تشکل سراسری کارگری متحد و در زیرسقف طبقاتی مستقل خود ضروری است و نه

تشکل توده ای سراسری کارگری بدون حضور کارگران تشکلی بوروکراتیک است!

تجزیه شده در بین طبقات و تشکلهای چپ مختلف، در درجه اول ضروری است حزب کمونیست واحدی که برنامه ی خود را در برابر طبقه کارگر قرار داده و آن را برای تحقق این برنامه که خواسته های اساسی طبقه کارگر را دربر گرفته باشد، به سوی متشکل شدن دعوت نماید. آن گاه دیده خواهد شد که طبقه کارگر با اطمینانی قابل ستایش به این دعوت جواب مثبت داده و روند تشکیل تشکل سراسری کارگری تاحدممکن متحد در پیوند با حزب سیاسی پیشرواش تحقق خواهد یافت. بدین ترتیب امکان تفرقه اندازی از جانب نظام حاکم در ایران و نظام امپریالیستی برای ایجاد اختلال در جنبش کارگری از بین خواهد رفت و یا به شدت ضعیف خواهد شد.

۷- تا به حال علارغم این که سالهاست امر ایجاد حزب واحد را به مثابه یک تشکل چپ فریاد زده و از آن دفاع کرده ایم ولی نفوذ افکار خرده بورژوائی در جنبش چپ به قدری ریشه دار است که امروز " مدافعان " مدعی اصیل بودن در دفاع از طبقه کارگر سر به دهها تشکل کوچک و بزرگ زده و بدین ترتیب به ترمزی در پیش روی جنبش کارگری تبدیل شده اند.

۸- اما لازم به تاکید است که مدافعان راستین طبقه کارگر تنها آن جریانانی هستند که اولاً برای ایجاد حزب واحد کمونیست با تمام وجود تلاش می کنند و ثانیاً با به دور انداختن نظرات دگماتیستی، با اپورتونیسم راست و چپ، رویزیونیسم راست و چپ، رفرمیسم، آنارشیزم و انحلال طلبی مرزبندی داشته و تجربه گرانهای جنبش کمونیستی و کارگری را در ۱۶۰ سال اخیر اساساً قبول داشته و به سوسیالیسم بوجد آمده لگد قاطر چموش را نزده و از اشتباهات گذشته نه با نفی گرائی کامل بلکه با پیداکردن کمبودها و اصلاح آنها حرکت کرده و دیگر مانع از آن خواهند شد که اتاقهای فکری امپریالیستی برای کمونیستها نفی گرائیها را فرمولبندی و تزریق کنند و مانع آن شوند که کمونیستها از فداکاری میلیونها کارگر و زحمت کش و کمونیست جان باخته برای ساختمان سوسیالیسم و دستاوردهای عظیم سوسیالیسم خود را مبرا جلوه داده و برخوردی بی عاطفه کنند که گویی ایده های پلید امپریالیستی در درون آنها به شدت جا خوش کرده است.

بدین ترتیب تلاش فعالان کارگری در جهت ایجاد وحدت و همکاری بین تشکلهای مستقل موجود امری مثبت است به شرطی که در مشورت با تک تک این تشکلهای عمل کرده و تلاش گران خود را در راس جنبش

کارگری قرار دهند که هیچ کارگری نیز آن را نخواهد پذیرفت. بلکه دغدغه شان باید کمک به تسریع تشکل یابی متحدانه ی این جنبش باشد. در غیر این صورت ایده ئولوژی فرقه گرایانه ی خرده بورژوائی و بورژوا - امپریالیستی برای سالهای سال اختلال در تشکل یابی جنبش کارگری در سطحی سراسری به وجود خواهند آورد. واضح است که چنین وضعی تماماً به سود سرمایه داری حاکم در ایران تمام خواهد شد و کوشش در این جهت ماهیتاً ارتجاعی می باشد.

ک. ابراهیم -
۲۰ دیماه ۱۳۹۳



با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکر این نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضاء وتوده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها

شبح جدید... بقیه از صفحه اول

زحمت کش دررهائی از استثمار و ستم طبقاتی بالا رفته است. به همین علت نظام سرمایه داری برای نجات از مرگ باز هم شبح دومی را در کشورهای پیش رفته و حتا عقب مانده جهان به حال گشت و گذار، در آورده است (تشدید بربریت و ناسیونالیسم به طور عملی!). در شرایط رشد عظیم طبقه کارگر ولی ضعف کمونیسم متشکل و متحد،

این شبح به صورت رشد نیروهای مخرب فاشیستی و نیمه فاشیستی در غرب نیز ظاهراً در لافهای ضدیت با اسلام گرایان سیاسی است که پرورش دهنده ی اینان خود نظام سرمایه داری انحصاری برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در جهان می باشد. تجارب متعدد تاریخی نظیر رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در حمله به مراکز تجاری وال استریت، از جمله به افغانستان به دنبال آن، حمله به عراق به بهانه ی دروغین داشتن سلاح اتمی، برپانمودن "انقلابات رنگی" و دهها نمونه دیگر که نشان دادند که طبق سیاست تروریستی امپریالیستی مثلاً "در غرب سروصدائی راه می اندازند تا در شرق یاجنوب تجاوزی را پیش ببرند!" هیچ کدام از حادثه های تروریستی بدون نقشه و بدون دست داشتن نهادهای اطلاعاتی مراکز امپریالیستی نبوده است و باید به هنگام بروز این رویدادها بادقت بیشتری بررسی نمود که چه سیاستی در پشت سر آنها وجود دارد. و شبح جدید به دنبال چه نقشه ای است؟ احتمالاً ایجاد ترس و وحشت در میان مردم و بروز هرچه بیشتر بی تفاوتی در میان آنها جهت تداوم یافتن بیشتر نظام سرمایه داری!

اگر به حرکت دول امپریالیستی نظری بیاندازیم می بینیم که به تدریج که وضعیت معیشتی مردم در این کشورها روز به روز بدتر شده و طی ۶ سال اخیر بحران سراسری امپریالیستها راه حل پایانی نیافته، در داخل هر کشور محیطی مختنقی از طریق پرورش دادن گرایش به راست، نظامی و امنیتی کردن کوچه و بازار، کنترل روزافزون حتا نامه ها و تلفنهای شهروندان به بهانه ی "مبارزه با تروریسم"، تروریسمی که خود آفریننده ی آن هستند، کشتن جوانان سیاه پوست در آمریکا به بهانه های واهی داشتن سلاح!، رشد احزاب ضد پذیرش پناهنده گی در کشورهای اروپائی در حدی که جریان پیگیدا (اروپائیان میهن پرست ضد اسلامی کردن غرب) با پرچم قلبی خطر تسخیر اروپا توسط مسلمانان در آلمان و نفوذ روزافزون احزاب پناهنده ستیز در پارلمانها تاحدی که در اتحادیه اروپا نیز اتراق کرده اند، سرکوب وحشیانه ی مبارزات حق طلبانه ی جنبش فلسطینیان و... نشان می دهند که اگر روزی نازیسم هیتلری با پرچم نژادپرستی و ضدیت با یهودیان متحدان خود را یافت، امروز ضدیت با مسلمانان که در حد آتش زدن مساجد آنان شروع شده است و یا هرگاه در هر کشوری حرکتی در دفاع از حقوق مردم فلسطین شروع می شود به

شبح ناسیونالیسم و بربریت ناقوس نزدیکی مرگ نظام سرمایه داری است!



▶ ناگاه عملی تروریستی پیش می آید که با نسبت دادن به تروریستهای اسلامی برای ممانعت دولت آن کشور از ایجاد روابط و یا شناختن حقوق دولت فلسطین صورت می گیرد.

به این اعتبار سازماندهی عملیات پلید و وحشیانه ی تروریستی زمینه ساز رشد حالتی پلیسی و ایجاد محدودیت و خفقان در کشورهای سرمایه داری شده و روزه روز گسترش می یابد. دراین میان مردم کشورهایی که تحت حملات تروریستی قرار می گیرند نباید تنها تمرکز کار خود را به مخالفت با این حملات ضدبشری قرارداد و با حاکمان خود هم آوا شوند، بلکه باید نه در جهت دفاع گمراه کننده از "آزادیهای بدون حد و مرز" که همانند دفاع از لغو دولت، لغو نظام مزدوری همین امروز است، بلکه براساس این که تا زمانی که نظام طبقاتی در هر کشور حاکم باشد و فرهنگ آن در خدمت حفظ آن نظام اجبارا خواهد بود، آزادی بدون قید و شرط برای مجموعه اهالی یک کشور قابل تحقق نیست به جز برای حاکمان! آیا چپها قبول دارند که تاریخ بشر "تاریخ گذار پیوسته از حیطة ی ضرورت به قلمرو آزادی است" (انگلس) و این ضرورت هم چیزی جز بقای نظام طبقاتی در حال حاضر نمی باشد؟ آیا هم آوایی با سران امپریالیست و نتانیاهوی صهیونیست و حامیان تروریسم در دفاع از "آزادی بدون مرز" نشان از ضعف آگاهی طبقاتی چپهای زیاد "آزادی خواه شده!" نیست؟ آیا اخراج کارگران از کار با توجه به حق کار داشتن هر فرد، و یا پائین آوردن مزد کارگران در حالی که قیمت اجناس مرتبا بالامی رود، آیا کنترل نامه های خصوصی افراد و تجاوز به حریم خصوصی آنان، آیا وارد نمودن زنان و دختران از کشورهای آسیایی و اروپای شرقی و کشاندن آنها به فحشاء و... اینها مقوله هایی از آزادی بی قید و شرط هستند؟ اگر نه چرا در این موارد آزادی بدون قید و شرط داشتن کار، داشتن غذا و حریم خصوصی به عنوان فقدان آزادیهای بدون قید و شرط به حساب نیامده و سروصدای دائمی جنابان چپ صورت نمی گیرد و فقط در بخش بیان گیر کرده اند؟ وقتی که بناست از طریق تحریک اسلامیها با کاریکاتور مسخره محمّدسوء استفاده سیاسی بشود به نفع حاکمان یا صهیونیستها، خم به ابرو نمی آورند؟ و انجام این تحریکات را عین دفاع از حقوق انسانها در آزادی بیان و قلم می دانند؟ ولو این که این کار توسط هفته نامه شارلی هبدو چپ صورت گرفته باشد!

از قدیم در ایران ضرب المثل "بفرما، بنشین، بتمرگ" که بیان کننده آن است که هر حرکتی طبق شیوه درستی باید پیش برده شود مورد قبول در فرهنگ ما بوده است. چه گونه است که تحت تبلیغات امپریالیستی و مافوق طبقاتی نشان دادن مقوله "آزادی بدون قید و شرط" تبدیل به ارزشی در میان نیروهای سیاسی چپ هم شده که گویا می توان همین امروز، بدون از بین بردن طبقات و تمایزات طبقاتی و بدون بالابردن درک و شیوه انسانها در نقد و در شناختن و احترام گذاشتن به حق و حقوق خود و دیگران، چنین مناسباتی را برقرار نمود. مخالفت با سانسور عقاید و نظرات ضرورتا معادل دفاع از تحقق بلاواسطه ی آزادی بدون قید و شرط بیان نیست!

باتوجه به آنچه که گذشت اولاً عملیات تروریستی اخیر درپاریس علیه کاریکاتوریستها و نویسنده گان روزنامه شارلی هبدو را باید شدیداً محکوم نمود. ثانياً باید دید که این عملیات توسط چه جریاناتی سازماندهی شده است - به خصوص دولتهای ارتجاعی کنونی اعم از امپریالیسم، صهیونیسم و مرتجع که به وجود آورنده ی القاعده، طالبان، اخوان المسلمین، داعش، بوکوحرام و غیره بوده اند - و بالاخره چه هدفی را مدنظر داشته و از این طریق چه مبارزه ای درست را هم علیه تروریسم و هم علیه طراحان تروریسم باید پیش برد.

گرایشات روزافزون کشورهای امپریالیستی به ایجاد خفقان با تشبث به راه کارهای غیرقابل باور بربرمنشانه و زمینه سازی شان برای ایجاد نیروهای فاشیستی ضد پناهنده گان، آن شبیح جدید واردکارزار شده و هشدار می است جدی به خصوص در مورد کمونیستها و کارگران جهان! که اگر هرچه زودتر کمونیستها متحد نشده و تبدیل به احزاب و تشکلهای قوی در هر کشور نشوند، با رشد خفقان جزو اولین قربانیان در این کشورها خواهند شد که جنگ جهانی سوم یکی از تبعات آن می باشد. لذا شبیح کنونی ارتجاعی برای نیروهای انقلابی و دموکرات خطر آفرین جدی می باشد.

تفسیر روز -

۱۰ ژانویه ۲۰۱۵



▶ پارلمانتاریسم در بحران... بقیه از صفحه اول

اخیر پیوسته بروز نموده صحنه گذاری روی اکثریتهای حاصل انتخابات بوده که اساسا اکثریت نه به معنای اکثریت افراد جامعه که حق رای دارند، بلکه براساس اکثریت شرکت کننده گان در انتخابات مهر اکثریت به خود گرفته که در واقع پائین تر از ۵۰٪ رای دهنده گان در اکثر جوامع سرمایه داری در آمریکا، اروپا و ژاپن بوده و تصمیمات این پارلمانها هیچ گاه عادلانه و حتا طبق قانون پذیرفته شده اکثریت نصف به اضافه یک نبوده است.

یکی دیگر از بحرانهایی که دامن گیر پارلمانهای بورژوائی شده شرکت احزاب مختلف بورژوائی، خرده بورژوائی، تحت عناوین سوسیال دموکرات، دموکرات مسیحی، احزاب سبز، احزاب سلطنت طلب و با جمهوری خواه، احزاب فاشیستی و شبه فاشیستی تحت عناوین مختلف، احزاب میانه رو، رادیکال و غیره و غیره که هر کدام با تبلیغات شان بخشی از مردم را به طرفداری از برنامه خود جلب نموده و میزان شرکت این احزاب در انتخابات بعضا به گونه ای بوده که احزاب بزرگی در هر کشور بوجود آمده اند که از طریق تشکیل بلوکی از احزاب، آن کوچک ترها را عملا به دنباله روان خود تبدیل نموده اند و در عین حال خود این احزاب کوچک نیز بعضا برای رسیدن به نصف به اضافه یک آراء انتخاباتی تبدیل به ژوکری شده اند که بدون آنها احزاب بزرگ تر نیز فلج می شوند. بگذریم از این که طبق قوانین داشتن حق شرکت در رای گیری احزاب باید بیش از ۴ - ۵٪ آراء را داشته باشند که اگر به این حدنصاب نرسند از شرکت در پارلمان محروم می شوند.

از بحرانهای تازه ای که اخیرا یقه یکی از "دموکرات ترین" کشورهای اروپائی - سوئد - را گرفت، پدیده آزاد کردن راه برای دست راستیهای فاشیست در ورود به بازی پارلمانی می باشد. علت اصلی این حرکت حاکمان ناشی از بروز بحران سخت مالی، اقتصادی، و به دنبال آن سیاسی و اجتماعی است تا مانع از رشد جنبش کارگری و نیروهای سیاسی چپ و انقلابی شده و این احزاب فاشیستی مثل لولوخورخوره ای می باشند در ایجاد هراس در میان مردم عادی از طریق مخالفت با پناهنده پذیری. در عین حال این احزاب فاشیست گونه چنان بی اعتبارند که احزابی که خود را مدافع دموکراسی جا انداخته اند به راحتی حاضر به ائتلاف با این احزاب نیستند. ▶

پارلمانتاریسم هم به نفس نفس افتاده است!



و امراضی چنان غیرقابل علاج سراسر آن را فراگرفته که بدون تخریب این نظام امکان ساختن نظام جدید نیز میسر نمی شود. بحران پارلمانتاریسم علاج پذیر نیست و بعد از بیش از ۳۰۰ سال گول زدن مردم توسط نظام سرمایه داری باید به زباله دانی تاریخ ریخته شود.

ناظر -

۲۴ دی ۱۳۹۳



به تارنما های اینترنتی حزب رنجبران ایران مراجعه کنید و نظرات خود را در آنها منعکس کنید!

بزرگداشت ۵۰ ساله گی تاسیس سازمان انقلابی!
بقیه از صفحه اول

از جمعیت ایران را تشکیل می دهد و تعداد تاسیس تشکلهای، تعداد جان باخته گان آنها و دستاوردهایشان به قدری متعدد می باشد که کلی از روزهای سال را مشغول به خودمی کنند!!

طبق پیشنهاد برخی از اعضای سازمان انقلابی درمورد برگزاری یادبودهایی از ۵۰ ساله گی تاسیس سازمان انقلابی در محلهای مختلف حزب رنجبران ایران از این پیشنهاد استقبال نمود. این سازمان، ۵۰ سال پیش با انشعاب بزرگی از حزب توده ایران درخارج از کشور، به وجودآمد(آذرمه ۱۳۴۳) و نقش موثری در مبارزات دانش جوئی درخارج از کشور داشته و درعین حال منادی حرکت انقلابی درجنبش کمونیستی ایران بود که همراه با جنبش جهانی کمونیستی مرزبندی با رویزیونیسم مدرن - رویزیونیسم درقدرت - درشوروی را اختیارنموده و به افشای مواضع رویزیونیستی رهبری حزب توده پرداخت و درساختن حزب رنجبران ایران (دی ماه ۱۳۵۸) نقش موثری داشت و با ایجاد

این توافقات گردن ننهاندند. ولی خوداین امر نشان داد که اگر سوسیال دموکراتها رای بیشتر درانتخابات آوردند به خاطر برنامه ای بود که ارائه داده بودند ولی چون هیچ گونه اصولیتی در کار پارلمانی نیست به این برنامه پشت کرده و باید با احزاب بورژوائی همکاری کنند که رای کافی نیلورده بودند. آیا این تمسخر رای رای دهنده گان نمی باشد؟(۱)

آیا وقت آن نرسیده است که مردم جهان با چشمانی باز به خیمه شب بازی انتخابات نوع پارلمانی نگاه کرده و برای برچیدن آن و برگزاری انتخابات نوع شورائی دست به کارشوند؟

(۱) - این توافقات در روزنامه آفتون بلاد ۱۵ ژانویه ۲۰۱۵ تحت عنوان فاکتها آمده است.

نمونه دیگری از بحران انتخاباتی را برای نشان دادن شیوع این بحران از نظر خواننده گان رنجبر می گذرانیم:

یونان برای انتخابات زودهنگام آماده می شود :

نخستوزیر یونان امروز - دوشنبه- از برگزاری انتخابات زودهنگام در این کشور خبر داد.

به گزارش رویترز، «آنتونیس ساماراس» نخستوزیر یونان اعلام کرد که به دلیل رد شدن کاندیداتوری وی برای ریاست جمهوری توسط پارلمان این کشور، تصمیم دارد ماه آینده میلادی انتخابات پیش از موعد برگزار کند.

«استاوروس دیماس» کمیسیونر سابق اروپا پس از سه بار کاندیداتوری برای ریاست جمهوری یونان، ۱۸۰ رای برای انتصاب این سمت کم آورد و به این ترتیب سرنوشت این انتخابات ریاست جمهوری در یونان به پارلمان این کشور بستگی دارد.

ساماراس اعلام کرد که فردا با «کارلوس پاپولیاس» رئیس جمهوری سابق یونان دیدار می کند تا برای برگزاری انتخابات زودهنگام تاریخ در ۲۵ ژانویه آینده رایزنی کند.

وی برقراری ثبات در یونان را مهمترین اولویت خود اعلام کرد. ولی همه ی شواهد نشان می دهد که نتیجه قابل لمسی به دست نخواهد آورد.

تمامی این رویدادها نشان می دهد که مردم اعتقادی جدی به رای دهی پارلمانی ندارند. ولی درشرایطی که احزاب کارگری و کمونیستی انقلابی قوی و باتورپه در کشورها وجود ندارند، وضعیت گندیده ی پارلمانتاریسم بورژوائی پیش برده می شود

بدین ترتیب در انتخابات پارلمانی اخیر در سوئد نه بلوک احزاب بورژوائی و نه بخش احزاب سرخ و سبز نتوانستند اکثریت ۵۱٪ آراء رابه دست آورند و حزب خارجی ستیز دموکراتهای سوئد با آوردن ۱۳ درصد آراء، پارلمان سوئد را دچار بحران جدیدی نمود:

به هنگام رای دهی به بودجه سال ۲۰۱۵، بلوک حزب سوسیال دموکرات و سبز رای نصف به اضافه یک را نیلوردند و دراین میان دراولین اجلاس پارلمان که مسئله رای گیری بودجه ها مطرح شد، با توجه به راییی که حزب دموکراتهای سوئد به برنامه احزاب بورژوائی داد، اینان رای بیشتری نسبت به احزاب چپ و سبزکسب کردند و بحران در پارلمان شروع شد.

اگر احزاب شرکت کننده در پارلمان سوئد نرمش احزاب آلمانی را داشتند در حفظ منافع سرمایه داران بزرگ، همان طور که درآلمان احزاب مخالف باهم قبلا به گفت و گو نشستند و توانستند اکثریتی را درسطح پارلمان دست و پا کنند. ولی درسوئد، استقن لوون رئیس حزب سوسیال دموکرات با بیان این که با اغلب نیروهای بلوک آلیانس جهت هم کاری صحبت کرده و حاضر به همکاری نشدند، لذا باید انتخابات اضطراری جدیدی در مارس ۲۰۱۵ برای تعیین اکثریت قابل قبول برگزارشود. پس از بیان این مطلب دومه قبل از سال نو مباحث زیادی به وجودآمد که از همه مهمتر این بود که چه تضمینی هست درمورد این که این بار اکثریت درست و حسابی به وجودآید. برعکس اگر چنین نشود و دراین ماجرا حزب خارجی ستیز بازهم آراء بیشتری به دست آورد، این شکست احزاب چپ و راست را مسجل نموده و "قداست" پارلمان را نیز ازبین خواهدبرد.

درچنین وضعیتی بود که نخست وزیر سابق سوئد به احزاب بورژوائی توصیه نمود به سازشی با احزاب سرخ و سبز برسند تا انتخابات ماه مارس لغو شود و حزب سوسیال دموکرات نیز این تلاش را پیش برد. نتیجه آن که در ۲۷ دسامبر ۴ حزب دست راستی و دوحزب سوسیال دموکرات و سبز طی کنفرانس مشترکی "توافق دسامبر" خود را دایر بر لغو انتخابات اضطراری اعلام نمودند و به سازشی رسیدند در رای دهی که تا پائیز سال ۲۰۱۵ که بودجه جدید باید ارائه گردد احزاب سبز و سوسیال دموکرات کار دولت را پیش ببرند. این توافق تا روز انتخابات ۲۰۲۲ حفظ خواهدشد. حزب چپ و حزب دموکراتهای سوئد با



آن دیگر حیات سیاسی - تشکیلاتی اش پایان پذیرفت. رفقای حزب رنجبران از این پیشنهاد استقبال نموده و دربرخی از شهرها اقدام به دعوت از رفقای سابق سازمان انقلابی جهت شرکت در این یادبود نمودند. **دریکی از این اجلاسها درشهرکلن به طور خلاصه ای دستاوردها و ضعفهای سازمان انقلابی بیان شد:**

۱- بزرگ ترین دستاورد این سازمان انجام انشعابی اصولی پس از مدتی مبارزه ایده نولوژیک در درون حزب توده بود که پس از متقاعدشدن رهبری حزب توده در نقد راه حل های پیشنهادی خروشچف و امثالهم و ناتوانی در سازماندهی درداخل، سازمان انقلابی حزب توده درخارج ازکشور پس از انشعاب تشکیل شد.

۲- دومین دستاورد این سازمان درشرکت درجنبش دموکراتیک دانشجویی درخارج از کشور و درافشای رژیم سلطنتی ایران بود و دراین ارتباط پیوند وسیعی با احزاب کمونیست ضدروزیونیست و سازمانهای توده ای به ویژه درخارج کشور برقرارنمود. ۳- درزمانی که سیاستهای روزیونیستی حزب و دولت شوروی گذارمسالمت آمیز را تبلیغ نموده و انقلاب کردن را نفی می نمودند، سازمان انقلابی پرچم "مبارزه مسلحانه تنها راه رهایی کارگران و دهقانان" از زیر سلطه ی دیکتاتوری نظام بورژوا - فئودال سلطنتی ایران را به دست گرفت. دراین ارتباط همدردی و شرکت در جنبش انقلابی فلسطین، شرکت درجنبشهای انقلابی درایران (درکردستان - ۱۳۴۶-۱۳۴۷، در فارس ۱۳۴۴-۱۳۴۵) را درپیش گرفت.

۴- سازمان انقلابی یکی از وظایف مهم خود را آماده ساختن رفقا برای رفتن اعضاء اش به داخل جهت پیوند با کارگران و دهقانان و با جنبشهای توده ای قرار داد و به علت این که درمبارزات توده ای دانش جوئی درخارج ازکشور افراد فعال سازمان شناخته می شدند و درآن زمان به دلیل نداشتن پایه توده ای درایران مسئله گسیل مخفی رفقا به داخل نیاز به برنامه ریزی داشت، ازطریق فرستادن کادرها و اعضاء به امارات جنوب خلیج فارس که ازجمله تعداد قابل ملاحظه ای از کارگران ایرانی درآنها کارمی کردند، تشخیص داده شد که با موفقیت نسبی همراه گردید.

۵- یکی از دیدگاههای پرولتری سازمان انقلابی دراین بود که ایجاد حزب کمونیست ایران ازطریق "وحدت مارکسیست - لنینیستهای ایران" وظیفه ی مبرم جنبش کارگری آگاه می باشد و این شعار را هنوز

هم علارغم برخی پیروزیها و شکستها در صدر دیدگاه سازمان یابی طبقه کارگر در حزب پیشروش را حزب رنجبران ایران حفظ نموده است.

۶- جمعبندی از تاریخ جنبش کمونیستی ایران و نشان دادن خط مشی رفرمیستی رهبری حزب توده ایران از ابتدای تشکیل اش در شهریورماه ۱۳۲۰، درسالهای ۱۳۴۸ و ۱۳۵۰ از یک سو و تلاش درپیش کتابهای تئوریک مارکسیستی - لنینیستی و آثار مائوتسه دون ازجمله دستاوردهای دیگر سازمان انقلابی بود.

۷- نهایتا سازمان که درخارج ازکشور تاسیس یافته بود تلاش فراوانی را درجهت انتقال رهبری به داخل به کارگرفت و دراین زمینه درحالی که درخارج دیدگاه دگماتیکی نیمه مستعمره نیمه فئودال بودن ایران حاکم بود رفقا از داخل دراین زمینه روی تغییرات انجام گرفته درایران را جمعبندی نمودند، اما به دلیل لو رفتن آنها توسط عنصر خیانت کار سیروس نهاوندی مسئول سازمان دیگری که با رفقای داخل تماس داشت، ضربه سنگینی را دراواخر سال ۱۳۵۵ رهبری سازمان انقلابی درداخل خورده و با جان باختن این رفقای ارزشمند بسیاری ازارتباط اعضاء و به ویژه کارگری با سازمان انقلابی قطع شد.

۸- متاسفانه، این مواضع و پیروزیهای برجسته به علت ارزیابی نادرست رهبری حزب درخارج از جنبش اسلامی به رهبری خمینی از یک سو و تئوری سه جهان که خودنیز دروجودآمدن درک غیرطبقه ای از این جنبش و دربرخورد به جنبش کارگری بود، به قول معروف ما "گاو ۹ من شیر ده" ی درجریان انقلاب بهمن ۱۳۵۷، شد یم. رهبری سازمان درخارج دچار راست روی شده و در یافتن پیوندی تنگاتنگ با جنبش چپ درداخل نیز موفقیت چندانی به دست نیاورد.

درجمعبندی از این اجلاسهای یادبود برخی از رفقای شرکت کننده به طور مختصر مطالبی نوشته اند که در زیر می آوریم: "به مناسبت گرامیداشت پنجاهمین سالگرد تاسیس سازمان انقلابی حزب توده ایران در ۲۱ دسامبر نشستی با شرکت عده ای از اعضاء، هواداران و میهمانانی از تشکلهای چپ درشهرکلن آلمان برقرارشد.

دراین نشست تاریخچه کوتاهی از تاسیس سازمان انقلابی و ایجادحزب رنجبران ایران بیان شده و مورد بحث و بررسی قرارگرفت. علاوه برآن بعضی از حضار به بررسی عملکرد سازمان پرداخته و دست

آوردها و انتقادات به برخی عملکردسازمان انقلابی و حزب رنجبران اشاره نمودند. جلسه با یادآوری از جان باخته گان سازمان و حزب ازفداکاری و مقاومت این رفقا قدردانی نموده و با امید به آینده ای پیروز برای جنبش کمونیستی ایران و وحدت این جنبش، درفضائی رفیقانه پایان یافت."

گردهمائی درشهر هامبورگ

"در عصر دوشنبه ۲۱ نوامبر به مناسبت گرامیداشت پنجاهمین سال تاسیس سازمان انقلابی و یادبود رفقای که اکثر در آذر ماه اعدام شده بودند گردهم آیی در شهر هامبورگ برگزار شد.

یادآوری و صحبت در مورد تاریخچه سازمان انقلابی و علت تشکیل سازمان به علت سیاست سازشکارانه و خط رویزیونیستی حزب توده ایران مورد بررسی قرار گرفت. تجربیات سیاسی اعضاء سابق سازمان انقلابی، جنبه های مثبت و منفی سیاست سازمان در جمع حاضرین مطرح شد.

درعین حال با یادآوری این که درگذشته توسط سازمان انقلابی محیط سیاسی رزمنده و آموزنده ای در هامبورگ وجودداشت که اگر با وضعیت فعلی مقایسه شود که محیط ناسالمی به وجودآمده و روحیه ی فعالیت مشترک و هم کاری فعلی را به گونه ای که در زمان سازمان انقلابی بود، ازبین برده، مورد نقد قرار داده و توصیه شد تا این جو مسموم را رفقا با تلاششان پایان داده و کسانی را که به تداوم جو مسموم پافشاری کنند، گوشزددهند که دامن زدن به این جو صرفا به خاطر بدبینی و نه داشتن دلایل محکم، بدون تردید درنهایت خدمت به ارتجاع حاکم ایران می باشد.

جلسه بدین ترتیب ختم یافت با امید به اینکه در آینده، چنین گردهمایی مورد حمایت و استقبال فعالین سابق قرار گیرد، تا بتوان از تجربیات، نظرات آنها در راه پیشبرد اهداف انقلابی استفاده نموده و درکمک به یک دیگر درایجاد وحدتی استوارتر علیه رژیم و درخدمت کارگران و زحمت کشان به موفقیت دست یافته و به این ترتیب جلسه پایان یافت."

بمناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس

سازمان انقلابی درواشنگتون

در آغاز استقبال خوبی از ایده مزبور شد، بطور مثال از کانادا ۵ نفر خواهان شرکت شدند، با کادرهای سابق خودمان در آمریکا که در ایالت های نیویورک، نیوجرسی



یاد جانباخته گان سازمان انقلابی و حزب رنجبران ایران را گرامی داریم!



و ویلادلفیا سکنی دارند تماس گرفته شد و آنها هم ضمن سلام و پشیمانی از این حرکت بواسطه وقت نامناسبی که در نظر گرفته شده بود (مصادف با ایام تعطیلات کریسمس) از عدم امکان برای شرکت خود پوزش خواستند

در سطح شهر جمعا ۲۱ نفر شرکت جستند و به نظر من ضمن آنکه این عزیزان به ما به دیده احترام می نگرند، شرکت آنان عمدتا به خاطر تجدید خاطرات مشترک بود نه جنبه سیاسی و تشکیلاتی آن.

گرد همائی مزبور با توجه به تجدید مناسبات دوستانه با طیف طرفداران ما امر مثبتی بود هر چند که کار سیاسی خاصی در آنجا صورت نگرفت و از آنجائیکه برنامه ریزی عمدتا توسط دوستانی که غیر حزبی هستند صورت گرفت تنها جنبه سیاسی آن تزئین سالن با عکس های رفقا واعظ زاده، شکوه و وفا و صحبت نسبتا طولانی ر- دیلم بود. در پایان ر- ناظمی صحبتی بسیار کوتاه در تجلیل از شخصیت رفیق شکوه داشت. این اجلاس درشرایطی که با عجله تدارک دیده شده بود محیطی گرم و صمیمی بین رفقا و دوستان ایجادکرد و از مبارزات سازمان انقلابی در زمان سلطنت محمدرضا پهلوی با احترام یادشد.



کاهش نرخ مشارکت اقتصادی زنان طی یک سال!

بر اساس جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران از نتایج آمار گیری نیروی کار، نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۱/۹ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش یافته است. به گزارش خبرنگار ایلنا، گزارش مرکز آمار ایران در تابستان سال جاری که روز ششم دی ماه منتشر شد نشان می دهد نرخ بیکاری به ۹/۵ درصد رسیده است. بر این اساس نرخ بیکاری مردان ۷/۹ درصد و بیکاری زنان ۱۸ درصد بوده است. نرخ مشارکت اقتصادی و تغییرات آن مطابق نتایج به دست آمده در فصل تابستان نرخ مشارکت اقتصادی برای جمعیت در سن کار بالای ۱۵ سال، ۴۰/۵ درصد بوده است. این

شاخص در بین مردان ۶۸/۸ درصد و در بین زنان ۱۲/۷ درصد محاسبه شده است. همچنین نتایج این گزارش نشان می دهد درصد جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر در نقاط روستایی بیشتر از نقاط شهری است، به طوری که نرخ مشارکت اقتصادی در نقاط روستایی ۳۹/۸ درصد و در نقاط شهری ۳۶/۲ درصد بوده است.

مقایسه نرخ مشارکت اقتصادی در گروه های سنی نشان می دهد بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی (۵۵/۵ درصد) در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله بوده است. این شاخص در بین مردان گروه سنی ۳۵-۳۹ ساله با ۹۴/۵ درصد و زنان برای گروه سنی های ۲۹-۲۵ ساله با ۱۹/۲ درصد بیشترین مقادیر را به خود اختصاص داده اند.

بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی نشان می دهد که در تابستان ۱۳۹۳ نسبت به تابستان ۱۳۹۲، این شاخص در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر ۲ درصد کاهش داشته است. این شاخص در نقاط شهری ۲ درصد و در نقاط روستایی ۱/۸ درصد کاهش داشته است. این شاخص در بین مردان ۲ درصد و در بین زنان ۱/۹ درصد کاهش یافته است.

چند درصد جمعیت بیکارند؟

شاخص نرخ بیکاری نشان می دهد چند درصد از جمعیت فعال بیکارند. بر اساس نتایج به دست آمده در فصل بهار، نرخ بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در کل کشور ۹/۵ درصد بوده است. این شاخص در بین مردان ۷/۹ درصد و در بین زنان ۱۸ درصد محاسبه شده است. این در حالی است که بر اساس این یافته ها چنانچه جمعیت فعال ۱۵ ساله و بیشتر در نظر گرفته شود، نرخ بیکاری ۹/۵ درصد به دست می آید.

بررسی نرخ بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر نشان می دهد که این شاخص در تابستان ۱۳۹۳ نسبت به تابستان ۱۳۹۲، ۹ درصد کاهش یافته است. این نرخ در نقاط شهری ۱/۵ درصد کاهش و در نقاط روستایی ۸ درصد افزایش داشته است. همچنین در بین مردان ۲ درصد و در بین زنان ۳ درصد کاهش یافته است.

نرخ بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در تابستان ۱۳۹۳ نسبت به بهار ۱۳۹۳، ۱/۲ درصد کاهش یافته است. این شاخص در نقاط شهری ۱ درصد و در نقاط روستایی ۰/۵ درصد کاهش یافته است. همچنین تغییرات این نرخ در بین مردان ۱/۱ درصد و در بین زنان نیز ۳/۱ درصد کاهش یافته است. ۱۳۹۳/۱۰/۱۰

[این آمار نشان دهنده ی واردسازی

شدیدترین فشار به زنان در ایران است که نه تنها مانع ورود هرچه بیشتر آنها به بازارکار می شوند، بلکه از نظر مزد پردازی نیز دچار استثمارشدیدتر از مردان می باشند. رنجبر]

۱۰۹ هزار مادر نوجوان در یک

سال زایمان کرده اند

بر اساس این گزارش، در سال ۹۱، چهار تولد برای مادر ۱۰ ساله، ۱۷ تولد برای مادر ۱۱ ساله، ۵۰ تولد برای مادر ۱۲ ساله، ۲۷۵ تولد برای مادر ۱۳ ساله و ۱۲۸۹ تولد برای مادر ۱۴ ساله ثبت شده است.

این آمار جدا از آمار حاملگی های سنین ۱۵ تا ۱۹ سال است که به آن ها در اصطلاح حاملگی نوجوانی گفته می شود.

همچنین بر اساس آمار سازمان ثبت احوال کشور در سال ۹۱، چهار هزار و ۳۷۷ تولد برای مادران ۱۵ ساله، ده هزار و ۶۳۷ تولد برای مادران ۱۶ ساله، ۱۹ هزار و ۸۸۱ تولد برای مادران ۱۷ ساله، ۳۱ هزار و ۴۹۴ تولد برای مادران ۱۸ ساله و ۴۳ هزار و ۹۲۵ تولد برای مادران ۱۹ ساله ثبت شده است.

بیشترین ولادت ثبت شده در سال ۹۱ برای مادران ۱۰ تا ۱۹ ساله به ترتیب مربوط به استان های سیستان و بلوچستان با ۷/۱۳ درصد، اردبیل با ۱/۱۳ درصد و خراسان شمالی با ۲/۱۱ درصد بوده. ولادت ثبت شده برای مادران ۱۰ تا ۱۹ ساله به ترتیب در استان های اصفهان با ۹/۳ درصد، تهران با ۳/۴ درصد و فارس با ۶/۵ درصد ثبت شده است. (آسمان دیلی نیوز - ۱۳۹۳/۱۰/۲۵)

[این هم نمونه دردناکی از وضعیت دختران نوجوان است که بارداری توسط رژیم عقب مانده و مرتجع اسلامی به آنها تحمیل شده است. رنجبر]

ریاضی دان ایرانی در فهرست الهام

بخش ترین زنان دنیا در ۲۰۱۴

«سی.ان.ان» بر اساس یک فراخوان عمومی از مخاطبان خود ۱۵ زن الهام بخش جهان را معرفی کرد که مریم میرزاخانی دانشمند ایرانی از جمله آنها است.

به گزارش ایرنا از پایگاه اینترنتی سی.ان.ان، این شبکه خبری چندی پیش در فراخوانی عمومی از مخاطبان خود خواست الهام بخش ترین زنان جهان را در سال ۲۰۱۴ معرفی کنند که در فهرست نهایی، پس از «ملاله یوسف زی»، یکی از دو برنده جایزه نوبل صلح امسال و یک هنرپیشه فعال در برابری حقوق زنان، «مریم میرزاخانی»،

نجات زنان از ظلم و ستم درگرو متحدشدن و شرکت در ساختن حزب کمونیست ایران است!



ریاضیدان ایرانی دانشگاه استنفورد و نخستین زن برنده مدال فیلدز در رتبه سوم قرار دارد.

زنان مبارز شهر کوبانی سوریه، «آنجل مرکل»، صدر اعظم آلمان، «سوسی پودجیاستوتی» (Susi Pudjastuti)، وزیر شیلات و دریانوردی اندونزی که در کمک رسانی به سانحه دیدگان سونامی ۲۰۰۴ شرکت داشت، «ماری لی برنرز»، برنامه نویس و ستاره شناسی که در ساخت اولین کامپیوتر جهان مشارکت داشت و «کریس لاگارد»، مدیرعامل صندوق بین المللی پول از دیگر زنان الهام بخش سال ۲۰۱۴ معرفی شده اند.

دکتر میرزاخانی که چندی پیش جایزه ۲۰۱۴ موسسه ریاضی Clay را نیز دریافت کرده بود مرداد امسال به همراه دو ریاضیدان جوان دیگر به عنوان برنده مدال فیلدز ۲۰۱۴ معرفی شد. مدال فیلدز که معادل جایزه نوبل در رشته ریاضیات تلقی می شود هر چهار سال یکبار به برترین ریاضیدانان زیر ۴۰ سال جهان اعطا می شود. میرزاخانی که متولد تهران است در سال های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ در زمان تحصیل در دبیرستان با کسب مدال طلای المپیاد ریاضی کشوری به المپیاد جهانی ریاضیات در هنگ کنگ و کانادا اعزام شد که در المپیاد ۱۹۹۵ کانادا علاوه بر کسب مدال طلا حائز بالاترین امتیاز در بین دانش آموزان جهان شد.

وی پس از اتمام تحصیلات متوسطه در دبیرستان فرزندگان تهران، تحصیلات کارشناسی خود را در رشته ریاضی در دانشگاه صنعتی شریف به پایان برد.

میرزاخانی پس از پایان دوره کارشناسی برای ادامه تحصیل به دانشگاه هاروارد آمریکا رفت. وی در سال ۱۹۹۹ میلادی زمانی که در دانشگاه پرینستون به تحقیق و تدریس اشتغال داشت موفق شد راه حلی برای یک مشکل ریاضی پیدا کند.

ریاضیدانان مدت های طولانی است که به دنبال یافتن راه عملی برای محاسبه حجم رمزهای جایگزین فرم های هندسی هذلولی بوده اند و در این میان مریم میرزاخانی جوان در دانشگاه پرینستون نشان داد که با استفاده از ریاضیات شاید بتوان بهترین راه را به سوی دست یافتن به راه حلی روشن در اختیار داشت: محاسبه عمق حلقه های ترسیم شده بر روی سطوح هذلولی.

میرزاخانی در سال ۲۰۰۵ زمانی که با کمتر از ۳۰ سال سن در دانشگاه پرینستون آمریکا تدریس می کرد از سوی نشریه

علمی Popular Science به عنوان یکی از ۱۰ مغز برتر امریکای شمالی معرفی شد.

به نوشته ی «یو.اس. ای تودی» این فهرست ۱۰ نفره شامل محققان و نخبگان جوانی است که در حوزه های ابتکاری مشغول به فعالیت هستند و با این حال معمولاً از چشم عموم پنهان مانده اند. ۱۰/۱۳۹۳

[خوشبختانه علارغم فشار روزافزون رژیم اسلامی به زنان و ایجاد انواع محدودیتها درمقابل پیش روی آنان، اما زنان مقاوم و مبارز ایران باپافشاری روی حقوق دموکراتیک شان و دستاوردها ی شان همانند نیشتری داغ هستند که در چشم نظام اسلامی فرورفته و حیثیت و اعتبار زنان ایران روزبه روز روبه افزایش است. رنجبر]

آمارهای رسمی از دختران فراری،

زنان خیابانی و ...

همایون هاشمی از سال ۹۰ تاکنون رییس سازمان بهزیستی کشور است؛ سازمانی که جامعه هدف گسترده ای دارد، از معلولان و بیماران مزمن روانی گرفته تا معتادان، دختران فراری، زنان خیابانی، بیماران مبتلا به اختلال هویت جنسی، اچ آی وی و ... این جامعه هدف مجموعه وظایف و فعالیت های سازمان بهزیستی را بسیار گسترده کرده است. آنقدر که گفته اند «هرباری که از قطار انقلاب برزمین مانده، بار این سازمان شده است.» یک سال و سه ماه پس از آغاز فعالیت دولت روحانی با همایون هاشمی، درباره مجموعه فعالیت های این سازمان و انتقادهایی که درباره این فعالیت ها مطرح است، مصاحبه کردیم.

به گزارش عصرایران، در ادامه بخش نخست مصاحبه «شرق» با وی پیرامون آسیب های اجتماعی را می خوانید:

بیشترین آسیب های اجتماعی کشور براساس شیوع شناسی ای که شما انجام داده اید چیست؟

اول اعتیاد سپس طلاق، فقر و آسیب های اجتماعی نوپدید مثل اعتیاد به فضای مجازی، اچ آی وی و روابط فراقانونی. نرخ بروز این آسیب ها در کشور چگونه است؟

نرخ بروز طلاق نگران کننده است.

در استان البرز نرخ بروز طلاق خیلی بالا رفته است. نرخ بروز طلاق در کشور است. از هر ۱۰۰ ازدواج ۱۶ ازدواج به طلاق منجر می شود و البته این آمار خیلی خوشبینانه است. در برخی استان ها مانند استان البرز نرخ بروز طلاق نزدیک

یک به یک شده است.

مهمترین دلایل طلاق در کشور چیست؟

طبق اظهارات افراد مراجعه کننده به مراکز کاهش طلاق سازمان بهزیستی بالاترین علت پس از آن دخالت اطرافیان و عدم حمایت های روانی و عاطفی با نرخ ۱۱ و ۳ درصد، عدم مسوولیت پذیری شوهر با ۱۰ درصد و پایین بودن آستانه تحمل و عدم بلوغ فکری با هشت درصد در رتبه های بعدی قرار دارند. البته نارضایتی جنسی عامل ۶۰ درصد خیانت ها بوده و بیش از ۵۸ درصد زنان و مردان عنوان می کردند نارضایتی جنسی دارند و ۳۰ تا ۴۰ درصد طلاق ها هم به علت نارضایتی جنسی است.

البته مهم ترین دلایل اجتماعی بروز طلاق؛ فقر، مصرف موادمخدر، بیکاری، اصل قرار دادن مادیات، افزایش نگرش های فردگرایی در جامعه و شغل بودن زن است. برای پیشگیری از طلاق «طرح بشیر» را به صورت آزمایشی در استان یزد یک سال پیش شروع کردیم. ۹۰ هزار پرونده متقاضیان طلاق که از سوی قوه قضاییه به سازمان بهزیستی ارجاع داده شد را بررسی کردیم. در نزدیک به ۴۵ درصد پرونده ها از طلاق جلوگیری شد و البته این پروسه یک سال طول کشید...

تراکنش آسیب های دیگر چگونه است؟

تراکنش اعتیاد متأسفانه چندان قابل رصد نیست. نرخ بروز اعتیاد به مواد صنعتی در شهرهای بزرگ در حال رشد و دسترسی هم آسان تر است. اعتیاد به مواد سنتی بیشتر در شهرهای مرزی دیده می شود.

بخشی از جامعه هدف شما، بیماران مزمن روانی هستند. هشدارهایی درخصوص شیوع بیماری های روانی در جامعه به گوش می رسد. چه تعداد بیمار مزمن روانی در حال حاضر تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند و برآوردتان از تعداد بیماران مزمن در سطح جامعه چیست؟

یکی از فعالیت های اساسی سازمان بهزیستی توانبخشی به بیماران مزمن روانی است... در حال حاضر ۱۸۰ هزار بیمار مزمن روانی در مراکز شبانه روزی سازمان بهزیستی نگهداری می شوند.

هزینه نگهداری هر بیمار در ماه چقدر است؟

بیش از یک میلیون تومان. این یک وظیفه ناهمگن برای سازمان است و از آنجایی که وزارت بهداشت این وظیفه را در گذشته قبول نکرده است، برعهده ما گذاشته اند.

میانگین سنی بیماران مزمن روانی تحت پوشش سازمان چقدر است؟



میانگین سنی ۳۵ تا ۳۷ سال است...

میزان شیوع در سطح جامعه چقدر است؟
حدود ۵۰۰ هزار نفر بیمار روانی مزمن در سطح جامعه داریم.

سال گذشته در نشست خبری تان گفتید ۳۶۴ زن خیابانی در مراکز سازمان بهزیستی رسوب کرده‌اند چه عواملی باعث رسوب اینها شده است؟ چقدر سازمان مقصر است و چه کارهایی باید انجام می‌شد تا این زنان بازتوان می‌شدند و به جامعه بازمی‌گشتند و انجام نشد؟

فاصله زمانی تبدیل فرد سالم به فرد آسیب‌دیده اجتماعی بسیار پایین است اما برعکس زمان بازتوانی اجتماعی فرد آسیب‌دیده و جامعه‌پذیری مجدد وی خیلی زیاد و پرهزینه است. پرکردن این فاصله کار سختی است. نیاز به مددکاری و حمایت‌های اجتماعی دارد. اگر یک دختر فراری از منزل را بتوان ظرف ۲۴ ساعت شناسایی و ساماندهی کرد وارد فاز آسیب نمی‌شود، اما اگر نتوانیم در این زمان طلایی، وی را شناسایی کنیم، فرد آسیب‌دیده‌ای می‌شود که بازتوانی جامعه‌پذیرکردن وی بسیار سخت است.

یکی از دلایل رسوبکردن هم همین است متأسفانه وقتی دختر و زنی در ایران آسیب می‌بیند، خانواده و جامعه دیگر وی را نمی‌پذیرد و بازتوانی روانی خود فرد هم بسیار دشوار می‌شود، باید ماه‌ها و سال‌ها کار کنیم تا وی را از نظر روانی به جامعه برگردانیم...

توانمندسازی هر کدام از زنان خیابانی چه میزان اعتبار می‌خواهد؟
ماهانه یک میلیون تومان.

اینکه برای نگهداری است. حرفه‌آوری و توانمندسازی‌شان چقدر اعتبار لازم دارد؟
بله یک میلیون تومان برای نگهداری است. رقمی هم برای حرفه‌آموزی و حمایت‌های اجتماعی نیاز داریم که حداقل چهار، پنج میلیون تومان است.

الان چه تعداد زن و دختر خیابانی در مراکز دارید؟
در شش ماهه اول ۹۳ در مراکز بازپروری زنان و دختران آسیب‌دیده اجتماعی نزدیک هزار نفر را ساماندهی کردیم و پنج برابر این عدد در مراکز گذری و سرپایی خدمات گرفته‌اند. در خانه سلامت نزدیک به ۴۰۰ نفر. بیش از ۸۶ درصد زنان خیابانی کارتن‌خواب، معتاد و آسیب‌دیده هستند. اینها بیمار هم هستند و از یک یا دو بیماری رنج می‌برند.

سن اینها چقدر است؟

در خانه سلامت ۳۸ درصد زیر ۱۵ سال، ۷۹ درصد زیر ۱۹ سال و متوسط سن ۱۸ و نیم است که در سال ۹۰ نسبت به مطالعات

قبل یکسال کاهش داشته است.

برای بار اول پذیرش شده‌اند. ۳۴ درصد ۱۵ تا ۱۷ سال، ۵۵ درصد زیر ۲۰ سال، ۳۰ درصد ۲۰ تا ۲۹ سال داشتند و شش درصد هم زیر ۱۵ سال داشتند.

۷۰ درصد تحصیلاتشان راهنمایی و کمتر بوده و ۱۶ درصد متاهل بودند، ۵۱ درصد مجرد، ۲۲ درصد مطلقه، ۵۴۵ نفر با والدین زندگی می‌کردند و ۹۸ درصد بی‌کار بودند. حداقل سرانه برای ساماندهی و توانمندسازی این افراد چقدر است؟

حداقل سرانه ۱۲ میلیون تومان برای هر فرد است.

چه تعداد اچ‌ای وی دارند؟

این را احصا نکردیم...

دو سال پیش مدیرکل امور آسیب، دیدگاه اجتماعی شما از اجرای پایلوت طرح توانمندسازی خانواده کودکان خیابانی و ساماندهی این کودکان از درون خانواده خبر داده و گفته بود، ساماندهی این افراد بدون توجه به توانمندسازی خانواده‌شان بی‌ثمر است. این طرح به کجا رسید؟

من به کودکان کار، اعتقاد ندارم. به کودک خیابانی به‌عنوان یک آسیب اجتماعی اعتقاد دارم که همچون اعتیاد، آسیبی چندوجهی و مرکب است و نباید نگاه مستقیم و یک‌سویه به آن داشت. می‌تواند عامل ایجاد سایر آسیب‌ها باشد و می‌توان به‌عنوان آسیب مادر هم تلقی شود چراکه مجموعه‌ای از آسیب‌ها را همراه خود یدک می‌کشد. کودک خیابانی می‌تواند در معرض انواع بیماری‌ها، آسیب‌ها و سوءاستفاده‌های محیطی قرار بگیرد و می‌تواند به‌عنوان فردی که به آسیب‌هایی همچون سرقت دامن می‌زند، تلقی شود. برای کودکان خیابانی برنامه مداخله‌محور را دنبال می‌کنیم. در تمام استان‌ها تیم‌های تخصصی مداخله در این حوزه و نگاه پیشگیرانه داریم. حدود ۶۸ درصد کودکان خیابانی، تک‌والد هستند؛ مادر یا پدر دارند و این نشان می‌دهد خانواده‌های تک‌والدی در معرض آسیب‌اند. طرح آموزشی حمایتی کودک و خانواده را سال گذشته در پنج استان تهران، البرز، خوزستان همدان و چهارمحال و بختیاری کلید زدیم و طرح به‌صورت پایلوت انجام شد و نزدیک به پنج هزار کودک خیابانی توسط «ان‌جی‌او» ها ساماندهی و توانمندسازی شدند و در اینجا برخلاف گذشته رویکردمان کودک و خانواده بود. در حالی که در سال‌های قبل، تنها خانواده دیده می‌شد...

تعداد واقعی کودکان خیابانی در کشور چقدر است؟

ما سالانه پنج هزار نفر را به‌طور متوسط

جمع‌آوری می‌کنیم. امسال با توجه به دستور وزیر کشور و تعاون، کار و رفاه اجتماعی، این رقم دو برابر می‌شود اما آمار واقعی احتمالاً سمبرابر می‌زانی است که ما ساماندهی کرده‌ایم؛ یعنی ۱۵ هزار کودک خیابانی در کل کشور داریم. از این میان چهار هزار کودک، اتباع بیگانه فاقد کارت شناسایی هستند که ۹۰ درصدشان افغانه‌اند. بهزیستی ۳۷ مرکز شبانه‌روزی برای کودکان خیابانی دارد.

بیشترین تعداد کودکان خیابانی در کدام استان‌هاست؟

طی سال‌های ۸۷ تا ۸۹ بیشترین کودکان خیابانی مربوط به استان‌های تهران، فارس، اصفهان و خراسان رضوی بوده‌اند.

در تهران چه تعداد کودک خیابانی وجود دارد؟

معمولاً ۴۵ درصد از تعداد آسیب‌دیدگان اجتماعی در هر شاخه از آسیب، در تهران مستقر هستند. از این ۱۵ هزار، شش هزار نفر در تهران مستقرند.

چه تعداد از کودکان خیابانی دختر و چه تعداد پسر هستند؟

۹۵ درصد پسر و پنج درصد دختر بوده‌اند.

میانگین سنی‌شان چگونه است؟

سن کودکان خیابانی رو به کاهش است. ۳۹ درصد زیر ۱۱ سال داشته‌اند. میانگین سنشان ۱۰/۴ است. این کودکان شانس کمتری برای دسترسی به خدمات آموزشی و سلامت داشته‌اند که این موضوع، احتمال آسیب‌پذیری در کودکی و بزرگسالی را افزایش می‌دهد. ۶۷ درصد ایرانی‌اند. ۳۸ درصد ترک‌تحصیل کرده‌اند و ۱۵ درصد فرزند طلاق‌اند.

چند درصد این کودکان اعتیاد دارند؟

هفت درصد، سابقه مصرف موادمخدر یا محرک داشته‌اند.

چه تعداد از کودکان خیابانی معتاد هستند؟
نزدیک به ۱۶ درصد کودکان کار و خیابان، معتاد هستند.

نرخ شیوع ای‌زد در این کودکان چگونه است؟

چهار برابر بیشتر از کودکان معمولی است. **بیشترین تماس‌ها با اورژانس اجتماعی سازمان به چه عللی بوده است؟**

کودک‌آزاری با نرخ ۱۰ و همسرآزاری با ۱۵ درصد بیشترین دلایل تماس با اورژانس اجتماعی بوده‌اند. در سال ۹۰ گزارش‌های کودک‌آزاری در ایران حدود ۹۹ هزار مورد بوده است که ۱۰ درصد آنها مداخلات روانی و اجتماعی از طریق اورژانس اجتماعی داشته‌اند.





➤ مرکز مداخله در بحران مادر شش ماهه اول سال، ۲۰ هزار مورد را به صورت فردی و خانوادگی ساماندهی کرده است. ۵۲ هزار خدمات سیار اورژانس اجتماعی ارایه شده و خط تلفن اورژانس ۳۰۰ هزار تماس داشته که در این میان، ۷۲ هزار تماس مراجعه مددکاران با اتمبیل سیار به محل بوده و نیاز به مداخله داشته است.

آمار دقیق کارتن خواب‌ها در کل کشور چقدر است؟

در مورد متکدیان و کارتن خواب‌ها در سه ماهه اخیر دو هزار و ۵۰۰ نفر را در تهران ساماندهی کردیم. رصد کارتن خواب‌ها با شهرداری است. اخیرا آقای قالیباف اعلام کرد که ما هر شب ۱۵ هزار کارتن خواب در تهران را ساماندهی می‌کنیم اما خدماتشان در حد گرمخانه و نوانخانه و یک وعده غذاست و کار ساماندهی انجام نمی‌شود. وظیفه سازمان در قبال کارتن خواب‌ها طبق مصوبه ۸۲ شورای اداری این است که کارتن خواب‌های مرتبط با سازمان همچون معلولان، کودکان خیابانی و زنان بی‌سرپرست را پذیرش و ساماندهی کند و به‌طور کل باید گفت ۱۵ هزار عدد، عدد قابل قبولی است...

اما در گرمخانه بهمن بیمار مزمن روانی را دیدم که مدیر گرمخانه می‌گفت بهزیستی قبولش نمی‌کند؟

نه، ما مشکل نداریم.

امروزی، معاون اجتماعی شهرداری تهران در صحن شورای شهر در حضور شما گفت ما مددجویانی داریم که حکم قضایی دارند اما بهزیستی قبولشان نمی‌کند. پاسختان به این انتقاد چیست؟

یکسری موارد خاص مثلا مددجویانی را که حکم قضایی ندارند، یا بیماری خاصی دارند که نیاز به درمان دارد، نمی‌پذیریم. مواردی هست که مورد اختلاف ما و شهرداری است. مثلا مورد معتاد متجاهر جزو ماده ۱۶ است.

یعنی شما معتادان را قبول نمی‌کنید؟

ما ۲۳۰ تا ۲۷۰ هزار معتاد با رفتار پرخطر در کشور داریم. موردهایی که معتاد مزمن باشند، ولی متجاهر نباشند در کمپ‌ها خیلی راحت آنها را می‌پذیریم. زنجیره‌ای عمل و غربالگری می‌کنیم. ۱۶ نوع پذیرش داریم. فرد معتاد را که نمی‌توانیم در مراکز بپذیریم به کمپ می‌فرستیم؛ مثلا بیمار اچ‌ای‌وی مثبت را به باشگاه مثبت می‌فرستیم.

اما باشگاه مثبت که شبانه‌روزی نیست؟

چرا، در تهران پنج باشگاه مثبت اچ‌ای‌وی داریم که دو باشگاهش شبانه‌روزی نیست و گفته‌ایم که باید شبانه‌روزی شود.

در جلسه شورای شهر گفتید بهزیستی در حال احداث دو گرمخانه جدید در تهران است. ظرفیت این مراکز چقدر است؟

گرمخانه نه، ما قصد داریم دو کمپ تخصصی در تهران با مشارکت وزارت کشور راه‌اندازی کنیم که جزو تعهداتمان بود. ما ماده ۱۵ قانون درمان اعتیاد را که مربوط به درمان اختیاری است، مدیریت می‌کنیم. امور مربوط به معتادان ماده ۱۶ که معتادان متجاهراند و درمانشان اجباری است بر عهده وزارت کشور و بهداشت است اما خروجی‌هایش باز روی دوش ما می‌افتد. ما با وزیر کشور توافق کردیم دو کمپ تخصصی راه‌اندازی کنیم و مدیریتش را به وزارت کشور بسپاریم، به جهت اینکه قرار است بخشی از معتادان متجاهر در این دو کمپ نگهداری شوند.

یعنی چیزی شبیه شفق و صابرین؟

بله، اما چندان موافق کمپ درمان اجباری نیستیم و الزامات حقوقی و قانونی نگهداری از معتادان متجاهر را هم در اختیار نداریم، ما تنها خدمات تخصصی ارایه می‌دهیم.

ظرفیت این دو مرکز چقدر است؟

۱۵۰ نفر. در تاریخ ۳۰ / ۱۲ / ۲۰۱۴ ب

روزانه ۵ مادر زیر ۱۵ سال، زایمان می‌کنند

روز آنلاین : معضل ازدواج زودهنگام و سپس بچه‌دار شدن، به ویژه در میان دختر بچه‌ها، یکی از قدیمی‌ترین آسیب‌های اجتماعی کشور است؛ آسیبی که بسیاری از کارشناسان و فعالان حقوق کودک بارها نسبت به افزایش آن هشدار داده‌اند. بر اساس گزارش پایگاه اطلاعات سازمان ثبت احوال تنها در ۹ ماهه امسال یک هزار و ۲۷۷ نوزاد از مادران کمتر از ۱۵ سال به دنیا آمده‌اند. یعنی به طور میانگین، هر روز حدودا ۵ مادر زیر ۱۵ سال ایرانی وضع حمل کرده اند. بر اساس گزارشی که خبرگزاری مهر منتشر کرده آمار سال گذشته تولد از مادران این گروه سنی، یک هزار و ۷۲۷ مورد بوده است. در سال ۱۳۹۱ هم بیش از ۱۱۰ هزار زایمان در سنین زیر ۱۹ سالگی زنان صورت گرفته که یک هزار و ۶۳۵ مورد از این زایمان‌ها در بین دختر بچه‌های ۱۰ تا ۱۴ ساله بوده است. گزارش‌های رسمی می‌گویند سالانه هزاران دختر زیر ۱۵ سال در ایران به ازدواج مردان بزرگتر و یا هم سن و سال خود در می‌آیند. تنها در ۹ ماهه نخست سال پیش، ۳۱ هزار دختر بچه زیر ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند. اما این آمار گویای تمام ازدواج‌های زیر سن قانونی نیست.

بسیاری از کارشناسان معتقدند شمار این قبیل ازدواج‌ها بیش از آمار رسمی است و بسیاری از این ازدواج‌ها چون به صورت رسمی ثبت نمی‌شوند در آمار هم جایی ندارند.

علاوه بر فرهنگ، عوامل اقتصادی هم در ازدواج زودهنگام دختران دخیل بوده است. شیما قوشه، حقوق‌دان و وکیل پایه دادگستری پیش‌تر در گفت‌وگو با «روز» یکی از مهم‌ترین علل فراوانی این پدیده را مشکلات اقتصادی دانسته و گفته بود: «برخی از خانواده‌ها به علت شرایط بد مالی و برای اینکه اصطلاحا یک نان‌خور کمتر داشته باشند، بچه‌هایشان را مجبور به ازدواج با افرادی می‌کنند که معمولا هم تفاوت سنی زیادی دارند. در این خصوص ضرورت دارد تا دولت زیرساخت‌هایی فراهم کند که خانواده‌ها مجبور به این کار نشوند.»

با این حال به نظر می‌رسد بخشی از حاکمیت مصمم است که ازدواج در گروه‌های پایین سنی را تبلیغ کند و رواج دهد تا به فرزندآوری و افزایش جمعیت کشور منجر شود. محسن قرائتی، رئیس ستاد اقامه نماز کشور که به اظهار نظرهای جنجالی در خصوص مسائل مربوط به زنان و جوانان مشهور است، چندی پیش گفته بود که با ازدواج دانشجویی مخالف است اما اعتقاد دارد که ازدواج‌ها باید «دبیرستانی» باشد. او پیش‌تر هم از لزوم کاهش سن ازدواج سخن گفته بود: «سن ازدواج به ۱۴-۱۳ سالگی کاهش یابد، چرا که شیطان از دو راه نفوذ می‌کند. اولی غفلت و دومی شهوت است.» بعضا صدا و سیما هم به عنوان ابزار تبلیغ این تفکر وارد عمل می‌شود. در ماه‌های گذشته بخشی از یک برنامه تلویزیونی که در آن با یک معمم به همراه همسر و دخترش که هر دو کاملا سیاهپوش بودند و با پوشش روبنده حضور داشتند، جنجالی شد. حجه‌الاسلام صادقی، مهمان این برنامه از لزوم ازدواج دختران پیش از بلوغ شرعی سخن گفت و از پیامبر اسلام نقل کرد که گفته خوشا به حال مردی که دخترش را قبل از رسیدن به «بلوغ فیزیولوژیکی» به خانه شوهر بفرستد.

او عنوان کرد که با در نظر گرفتن این سخن، دخترش را در ۱۲ سالگی به عقد یک طلبه درآورده است. این برنامه که در راستای ترویج ازدواج زودهنگام و فرزندآوری تهیه شده بود، مورد انتقاد بسیاری از فعالان حقوق زنان قرار گرفت.

یک ازدواج و هزار آسیب

دکتر افسانه وارسته‌فر، جامعه‌شناس



حوزه کودک نیز در همین خصوص و در یادداشتی که در روزنامه شرق منتشر شده نوشته است: «مهم ترین محرومیتی که ازدواج زودهنگام از بعد روانی ایجاد می کند، از دست دادن لذایذ و تجربیات دوران کودکی و نوجوانی است. روابط جنسی اجباری، نداشتن آزادی رشد و استقلال شخصی، آثار روانی - اجتماعی و هیجانی بسیاری را می تواند به همراه داشته باشد. برای دختران اغلب محدودیت به کار خانگی و برای پسران مواجهه با نقش نان آوری و همسری، چندان همخوانی ای با الگوهایی که جامعه در بعد وسیع از این سنین ارایه می دهد، ندارد. مثلاً تا به حال در رسانه ها، مخصوصاً در صدا و سیما که تأثیر فراگیری در ارایه الگوهای مطلوب جامعه دارد، چنین نقش هایی ارایه نمی شوند.» ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

[آوردن این گزارش نسبتاً مفصل از وضعیت کودکان کار، زنان کارتن خواب، وضعیت زنان در خانواده های فقیر و غیره برای آن است که ببینیم بیش از نیمی از جمعیت ایران در چه جهنمی دچار انواع مشکلات است و رها نمودن این انسانها بدون وجود جنبشی عظیم و سراسری و حمله به سرمار که زهرخود را روزانه در سراسر کشور پرتاب می کند و پایان دادن به این محنتها، قطع مناسبات مالکیت بر وسایل تولید و مبادله است و ریختن افکار عقب مانده ارتجاعی به زباله دانی تاریخ. تحقق این کار دوران ساز در ایران باید به دست طبقه کارگر صورت گیرد که در فکر انباشت سرمایه نیست و به کسی نه ظلم می کند و نه کسی را استثمار می نماید. رنجبر]



در ایران چه می گذرد؟

نامه ی ۶۰۰۰ معلم - زیر خط فقریم!

حدود شش هزار معلم در سراسر کشور با امضای طوماری خطاب به «علی لاریجانی»، رئیس مجلس شورای اسلامی، از برخوردهای سیاسی با مشکلات معیشتی شان اعلام ناراضیاتی کردند و خواستار رفع تبعیض و برقراری عدالت بین معلمان و سایر کارکنان دولت شدند. به گزارش خبرنگار ایلنا، امضاء کنندگان این طومار تأکید کرده اند بیشتر معلمان در

تأمین نیازهای اولیه زندگی خود درمانده اند و زیر خط فقر به سر می برند، به منزلت شان آسیب رسیده است و انگیزه های شغلی خود را از دست داده اند.

در بخشی از این طومار شش هزار امضایی گفته شده است معلمان آینده روشنی در انتظار نمی بینند و به همین دلیل از مجلس و دولت انتظار عمل دارند.

امضاء کنندگان این طومار همچنین از نمایندگان مجلس و دولت خواسته اند به دور از هرگونه شعار سیاسی، حقوقی به معلمان پرداخت کنند که پاسخگوی نیازهای یک زندگی شرافتمندانه باشد.

متن کامل طومار ارسالی شش هزار امضایی معلمان به رئیس مجلس که در روزهای گذشته به مجلس تحویل داده شده است در ادامه می آید: رییس محترم مجلس شورای اسلامی جناب آقای لاریجانی

سلام علیکم

همچنانکه که مستحضرید هرگونه برنامه ریزی برای پیشرفت و تعالی کشور در گرو برنامه ریزی اصولی در آموزش و پرورش و نگاه صحیح به مقوله تعلیم و تربیت می باشد و این امر در سایه توجه خاص به متولیان امر تعلیم و تربیت یعنی معلمان رقم خواهد خورد. هدف قوانینی چون قانون نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارکنان دولت و قانون مدیریت خدمات کشوری ترقی و کارآمدی سیستم اداری کشور و رفع تبعیض و برقراری عدالت در پرداخت حقوق کارکنان دولت بوده است. ولی تدوین و تصویب این قوانین به اذعان دولتمردان و نمایندگان محترم نتوانسته است هدف مورد نظر را محقق نماید.

به باور جامعه فرهنگیان کشور علت امر عدم عزم جدی مسئولان به رفع تبعیض و برقراری عدالت است.

امروزه معلمان کشور در تأمین نیازهای اولیه زندگی خود درمانده اند و عموماً زیر خط فقر به سر می بند و این امر به منزلت آن ها آسیب زده است. این موضوع موجب کاهش انگیزه های شغلی معلمان شده و آینده روشنی را برای کشور ترسیم نمی نماید.

معلمان کشور از تمجید و تعریف جایگاه علم و معلم خسته اند و از برخوردهای سیاسی با شکل معیشتی ناراضی اند و از مجلس و دولت انتظار «عمل» دارند.

ما امضا کنندگان طومار موکداً از نمایندگان مجلس و دولتمردان جمهوری اسلامی می خواهیم به دور از هرگونه شعار، رفتار تبلیغی و سیاسی با عزمی قاطع و راسخ، خواسته برحق جامعه فرهنگیان کشور مبنی

بر تأمین حقوقی که نیازهای یک زندگی شرافتمندانه را پاسخگو باشد، محقق نمایند. (آسمان دیلی نیوز - ۱۳۹۳/۱۰/۲۵)

معاون قوه قضاییه:

از نظر تعداد زندانی جزو ۱۰ کشور اول جهان هستیم

محمداقبر ذوالقدر، معاون راهبردی قوه قضاییه ایران، روز یکشنبه هفتم دیماه با انتقاد از «شیوع جرایم و بزه در جامعه»، «آمار زندانیان» را در ایران در «شان» کشور ندانسته است.

وی اضافه کرده است: گزارش های ناجا یکی از شاخص های سنجش ماست و این گزارش ها حاکی از نا به سامانی در کشور است. شاخص دیگر وضعیت پرونده ها در دستگاه قضایی است. با رشد تصاعدی در پرونده ها روبرو بوده ایم که این موضوع هشدار دهنده است.

معاون راهبردی قوه قضاییه همچنین گفته است: «شاخص دیگر آمار زندانیان است که اگر به آن مراجعه کنیم متوجه می شویم که این شاخص نیز در شان جامعه ما نیست. ما از نظر تعداد زندانیان جزو ۱۰ کشور اول هستیم و همه اینها نشان می دهد پیشگیری از وقوع جرم در جامعه ما یک امر ضروری است.» پیشتر مصطفی پور محمدی، وزیر دادگستری ایران در خصوص تعداد زندانیان در خردادماه سال جاری گفته بود: «اکنون ۲۱۷ هزار و ۸۵۱ زندانی در ندامتگاه های کشور وجود داد که ۳.۷ درصد نسبت به سال ۹۱ کاهش داشته. همچنین ۵۳۱ هزار و ۷۹۶ زندانی به ندامتگاه ها وارد شده که ۴.۲۵ درصد نسبت به سال ۹۱ کاهش داشته است. به طور متوسط در ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت کشور، ۲۸۳ نفر در زندان ها به سر می برند.»

مصطفی پور محمدی همچنین در خصوص پرونده های قضایی در کشور نیز گفته بود: «در مجموع ۹ میلیون و ۸۱۶ هزار و ۴۲۸ مورد پرونده به قوه قضاییه وارد شده که شش میلیون و ۲۲۰ هزار و ۹۹۵ پرونده در واحدهای مختلف قضایی و سه میلیون و ۵۹۵ هزار و ۴۳۳ پرونده در شعب شورای حل اختلاف است.»

در همین حال، پیشتر رییس سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور گفته بود که تعداد زندانیان در ایران دو برابر فضای موجود است که این معضل هرگونه کار تربیتی و اصلاحی را دچار مشکل کرده است. ۱۳۹۳/۱۱/۸ - آسمان دیلی نیوز

تغییر سن طلاق و



کاهش آن به ۱۶ سال
معاون حقوقی و امور مجلس کمیته امداد گفت: ۳۴۰۰ وکیل فعال و نیکوکار در جهت حل مشکلات و پروژه‌های قضایی مددجویان تحت حمایت کمیته امداد، همکاری گسترده‌ای با این کمیته دارند.

به گزارش (ایسنا)، منصور قمشه در اولین مجمع وکلا و حقوقدانان نیکوکار اظهار کرد: ما اکنون با دانشگاه‌ها طرحی را آغاز کردیم برای کلینیک حقوقی چرا که این موضوع را مکتب حقوقی می‌دانیم.

وی افزود: تغییر سن طلاق موضوع بسیار مهمی است که باید به آن توجه کنیم و اکنون سن طلاق در کشور به ۱۶ سال رسیده است که آسیب بزرگی برای کشور است.

بیست میلیارد دلار قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۲

رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز ریاست جمهوری گفت: براساس آمار در سال ۱۳۹۲ میزان قاچاق کالا و ارز در ایران بیست میلیارد دلار بوده که دو برابر کل بوجه عمرانی کشور است.

به گزارش ایرنا، «حبیب الله حقیقی» روز یکشنبه در همایش تخصصی پلیس مبارزه با قاچاق کالا و ارز افزود: متأسفانه قاچاق کالا در ایران معادل شصت هزار میلیارد تومان است که با توجه به بودجه عمرانی کشور که سی هزار میلیارد تومان است حجم قاچاق در ایران دو برابر کل بودجه عمرانی کشور است.

وی ادامه داد: قاچاق کالا یک گره عمده بر هر حرکت مثبتی است به طوری که درمسایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی تأثیر دارد.

رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز ریاست جمهوری در بخشی دیگر از سخنانش گفت: در برخی از مناطق کشور بنا بر یک سود بادآورده ای که از طریق قاچاق قابل وصول است گزارش‌هایی وجود دارد که دانش آموزان دبیرستانی درس و تحصیل را رها می‌کنند و به موضوع سوخت و یا همان قاچاق روی می‌آورند.

حقیقی افزود: در یکی از استانهای جنوبی معلم موضوع انشا را {درآینده می‌خواهی چه کاره شوی؟} انتخاب می‌کند که ۸۰ درصد دانش آموزان فعالیت در عرصه سوخت و یا قاچاق را موضوع انشا خود نوشته بودند. (پیک ایران - ۱۳۹۳/۱۰/۲۱)

مدیرکل آموزش محیط زیست: ۹۵ درصد اندوخته جانوری ایران نابود شده است

مدیرکل دفتر آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان محیط زیست گفت: ۹۵ درصد اندوخته جانوری ایران نابود شده است. به گزارش ایرنا «محمد درویش» شامگاه پنجشنبه در همایش «بهینه‌سازی الگوی مصرف آب در کشاورزی» در کاشان اظهار کرد: امروز تعداد جمعیت جانورانی همچون آهو، جبیر، گوزن و غیره به ۱۱۰ هزار راس در کشور کاهش یافته که این سقوط جانکاه، کم‌کاری انسان‌ها در حمایت از محیط زیست را می‌رساند.

وی نقشه راه و چیدمان انتخابی مسوولان و مدیریت حاکم بر کشور را نقشه نادرستی دانست و افزود: حذف حیوانات به مراتب موجب ورود خسارت بیشتری نسبت به حذف انسان‌ها به اکوسیستم می‌شود.

وی با بیان این که اگر می‌خواهیم ریشه ترویج مظاهر خشونت را در جامعه حذف کنیم، تغییر رفتار و حرمت گذاشتن به حیوانات را باید شروع کنیم، تصریح کرد: مقدار زیادی از بودجه کشور برای تامین امنیت صرف می‌شود، درحالی که سرمایه بزرگ اجتماعی کشور با بحران روبروست.

درویش، همچنین ایجاد و توسعه انجمن‌های مردم‌نهاد را راهکار دیگر حمایت از محیط زیست دانست و تأکید کرد: کشوری که می‌خواهد در افق ۱۴۰۴ به توسعه یافتگی برسد باید دارای نرخ مشارکت بالا باشد.

وی به وجود ۷۰۰ انجمن مردم‌نهاد زیست محیطی در کشور اشاره و تصریح کرد: شاید ما آخرین نسلی باشیم که می‌توانیم جلوی بحران‌های زیست محیطی را با تشکیل انجمن‌های مردم‌نهاد بگیریم پس باید اجازه دهیم مردم دوباره این سرزمین را از آن خود بدانند.

پرستاران حضور در مراسم رسمی روز پرستار را تحریم می‌کنند

دبیرکل خانه پرستار می‌گوید جامعه پرستاری کشور امسال در هیچ یک از برنامه‌های رسمی روز پرستار شرکت نخواهد کرد.

«محمد شریفی مقدم» عضو شورای عالی نظام پرستاری کشور با اعلام این خبر به اینلنا گفت: علی‌رغم گذشت بیش از یک ماه از تجمع گسترده پرستاران در شهرهای بزرگ کشور هنوز هیچ اقدام مثبتی از سوی دولت صورت نگرفته است.

دبیرکل خانه پرستار ضمن بیان این که «فرصت یک ماهه جامعه پرستاری برای پیگیری مطالبات به حقشان از طریق واحد ارتباطات مردمی ریاست جمهوری به پایان رسیده است»، گفت: در جریان

تجمع قبلی پرستاران واحد ارتباط مردمی ریاست جمهوری معترض شده بود که چرا مطالبات‌تان را از طریق نامه نگاری و از راه حقوقی پیگیری نمی‌کنید و ما برای اینکه حقانیت مان را نشان دهیم یک ماه صبر کردیم تا واحدهای ذیربط به وعده‌هایی که در ارتباط با پیگیری مطالبات داشتند عمل کنند اما با گذشت یک ماه نه تنها وعده‌های داده شده به انجام نرسید بلکه اقدامات اخیر وزارت بهداشت نشان می‌دهد به گونه ای دیگر قرار است حرفه ی پرستاری را با مشکلات جدی مواجه کنند.

وی به اجرای نظام «پرداخت مبتنی بر عملکرد» در سیستم درمانی کشور اشاره کرد و گفت: در حالیکه هنوز اصلی ترین خواسته‌های پرستاران محقق نشده، مسوولین وزارت بهداشت طرح نظام پرداخت مبتنی بر عملکرد را در دستور کار قرار داده‌اند که شیوه اجرای آن ظلم مضاعف به جامعه پرستاری کشور است و پرستاران را از وظیفه اصلی شان که مراقبت از بیمار است باز می‌دارد.

دبیرکل خانه پرستار تأکید کرد: ما آمادگی داریم در مجامع کارشناسی و تخصصی ناکارآمدی اجرای این طرح را به بحث بگذاریم.

سخنگوی کمیته پیگیری مطالبات جامعه پرستاری و دبیر کل خانه پرستار در پایان با ذکر این مطلب که جامعه پرستاری همچنان پیگیر مطالبات خود خواهد بود، از عدم مشارکت پرستاران در مراسم روز پرستار در اسفند ماه سال جاری خبر داد و گفت: به دلیل بی‌توجهی مسوولین تصمیم گیر، کمیته پیگیری که در حال حاضر به صورت کشوری فعالیت می‌کند، تصمیم گرفت در گام اول در برنامه‌های متعددی که به مناسبت روز پرستار در ۵ اسفند برگزار می‌شود شرکت نکند.

گفتنی است، تجمع صنفی جامعه پرستاری ۲۳ آذر ماه ۹۳ در اعتراض به اختلاف فاحش در پرداخت‌ها بین پزشک و پرستار در واحدهای درمانی کشور و همچنین عدم اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری به صورت همزمان در بیش از ۵ استان کشور برگزار شد. پرستاران به اختلاف بیش از ۳۰۰ برابری دستمزد خود و پزشکان معترض‌اند. آن‌ها همچنین خواستار اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری هستند. (آسمان دیلی نیوز - ۱۳۹۳/۱۰/۲۸)





در جبهه جهانی کمونیستی... بقیه از صفحه آخر

(مارکسیست - لنینیست) پرچم سرخ

جنبش انقلابی کمونیستی در هندوستان در شرایط کنونی در حالت شدیداً متفرق به سر می برد. به منظور غلبه بر این وضعیت و متحقق ساختن وحدت، تمامی احزاب مارکسیست - لنینیست هندوستان که عمیقاً در میان توده های وسیع و از جمله طبقه کارگر نفوذ یافته اند، حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست) ستاره سرخ و حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست) پرچم سرخ، طی دوره طولانی مدتی، به تبادل نظر در مورد مسائل مختلف در مورد برنامه انقلاب هندوستان، اصول سازمانی، وضعیت کنونی و وظایف ما پرداختند.

این تبادل نظر نشان داد که در مورد بسیاری از مسائل مهم وحدت نظر داریم، و هم چنین در مورد مسائل مهم دیگر نیز اختلاف نظر داریم. هم چنین مسائلی نیز هست که نیاز به بحث بیشتر داریم. هر دو تشکل در مورد نکات زیر نظر توافق داشتند:

۱. الف - هندوستان کشوری وابسته است تحت سلطه ی نوکولونیالیسم امپریالیستی.

ب - بادر نظر گرفتن کشور به مثابه یک کل، رشد روابط سرمایه داری در کشاورزی اکنون روندی رشدیابنده در سراسر است، با تفاوتها و عدم توازنها در سطحی وسیع. تفاوتها و عدم توازنها در ایالتهای مختلف وجود دارند، در درون یک ایالت وحتا درون یک بخش. مناطقی هست که در آن جا روابط سرمایه داری در کشاورزی به حد غالب رسیده است. اما مناطقی هست که در آنها روابط فئودالی و نیمه فئودالی نسبتاً قوی است. در سراسر کشور سرمایه ربائی و ستم نوع کاستی شایع می باشند.

پ - سرمایه انحصاری در هندوستان قدرتمند است و ماهیت کمپرادور - بوروکراتیک دارد. این سرمایه داری کمپرادور - بوروکراتیک رابطه دوگانه همکاری و تضاد با امپریالیسم دارد، همکاری عموماً جانب عمده می باشد.

۲. هندوستان استقلال سیاسی محدود شده ای دارد. لذا نادرست است که ادعا شود که کاملاً مستقل است که این وظیفه ی براندازی امپریالیسم از کشور را نفی کند.

۳. دشمنان عمده انقلاب هندوستان امپریالیسم، سرمایه داری کمپرادور بوروکرات و زمینداران اند.

۴. وظیفه ی انقلاب هندوستان براندازی

امپریالیسم، سرمایه داری کمپرادور بوروکرات و مالکان است. این وظایف در رابطه باهم می باشند.

۵. هندوستان یک کشور طبقات کمپرادور بوروکراتیک بورژوائی و مالکان ارضی است، تحت رهبری کمپرادور بوروکرات بورژوائی.

۶. رهبری انقلاب هندوستان طبقه کارگر است. دهقانان متحد نزدیک آند، خرده بورژوازی شهری متحدین قابل اعتماد و بورژوازی ملی متحد در حال نوسان می باشند. درکشورها روند تجزیه در میان دهقانان طی طولانی مدت صورت گرفته است. کارگران کشاورزی و دهقانان بی زمین و فقیر متحدین مطمئن طبقه کارگرند و بزرگ ترین نیروی محرکه انقلاب هندوستان. دهقانان میانه حال متحدقابل اعتماد و دهقانان ثروتمند متحد متزلزل با طبقه کارگر می باشند.

۷. خصوصیت انقلاب هندوستان ماهیتاً دموکراتیک است و نه سوسیالیستی. هر چند که انقلاب دموکراتیک نوع جدیدی باشد که از یک سو راه رشد سرمایه داری را برایشه کن کردن امپریالیسم سرمایه داری کمپرادور بوروکراتیک و مالکان زمین فراهم می کند، و راه برای گذار به سوسیالیسم را آماده می نماید.

۸. انقلاب هندوستان دیکتاتوری دموکراتیک خلق هندوستان را تحت رهبری طبقه کارگراز طریق براندازی امپریالیسم، کمپرادور بوروکراتها و زمینداری بزرگ مستقر خواهد کرد. انقلاب دموکراتیک خلق هندوستان بخشی از انقلاب جهانی سوسیالیستی پرولتاریائی است.

۹. تضاد های بزرگ در جامعه هندوستان در حالت کنونی تضاد خلق هندوستان با امپریالیسم، دهقانان با طبقه زمیندار، کار با سرمایه و تضاد بین طبقات حاکم است. تضاد اصلی عبارت است از اتحاد امپریالیسم، بورژوا کمپرادورهای بوروکرات و زمین داران بزرگ در تضاد با توده های وسیع مردم.

۱۰. راه انقلاب هندوستان با شرایط مشخص وضعیت اجتماعی - اقتصادی هندوستان تعیین خواهد شد. درسهای انقلاب روسیه و چین طبعاً بسیار مهم برای انقلاب ما می باشند. مع الوصف، در شرایط مشخص کشور ما، طبقه کارگر نقش مستقیمی دارد در حالی که دهقانان هندی نیز نقشی بازی می کنند. یکی از وظایف مهم انقلاب هندوستان عبارت است از سرنگون سازی امپریالیسم و سرمایه داری انحصاری هندی و درعین

حال یک وظیفه مهم دیگر براندازی تمامی روابط ماقبل سرمایه داری در کشاورزی و تقسیم زمین گرفته شده از زمینداران بزرگ به کارگران کشاورزی و هم چنین دهقانان بی زمین و دهقانان فقیر برپایه «زمین از آن کشاورز».

۱۱. بعد از جنگ جهانی دوم، انفجار دو انقلاب سوسیالیستی و آزادی ملی امپریالیسم را مجبور نمود قاعده استعمار و استثمار را عوض کرده و روش نوکولونیالیستی استثمار و حاکمیت را بپذیرد. نوکولونیالیسم شروع شد. در جریان این حاکمیت غیرمستقیم امپریالیستی، استعمار جدید چندین تغییر مهم حاکمیت استعماری و استثماری را انجام داد و روش نواستعماری استثمار و حاکمیت را پذیرفت. استعمار جدید آغاز شد. در جریان این حاکمیت غیرمستقیم، استعمار نو چندین تغییر مهمی را وارد نمود که چندین تغییر تعیین کننده ای را در تولید و روابط درکشور ما را با خود داشت. این روند در مرحله ی جهانی شدن امپریالیسم شدت گرفت. کشور ما در این رابطه با شدت بیشتری در ارتباط با نظام جهانی امپریالیستی از طریق سرمایه مالی، بازار و تکنولوژی پیشرفته قرار گرفت.

۱۲. در مرحله ی استعمار نو، در یک قطب نیروهای امپریالیستی قرار دارند، که رهبری آن امپریالیسم آمریکاست، در حالی که در قطب دیگر کشورهای نواستعماری قرار دارند. در بین این دو قطب کشورهای مختلف مستقلاً قرار دارند. بغیر از آنها، کشورهای دیگری هستند که در خارج از این بخش قرار دارند. یک نمونه در این مورد کوبا است، که نقشی در جدانمودن کشورهای آمریکای لاتین از امپریالیسم آمریکا در یک منطقه مهم مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، دارد. ۱۳. در مناطق بین المللی در بخش غیر قطبی جهان، یک وضع چندقطبی به وجود آمده است. تضاد بین نیروهای امپریالیستی شدت یافته است. تضاد بین کشورها و ملتها از یک سو و امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا، از سوی دیگر نیز شدت یافته است. تضاد بین سرمایه و کار نیز شدت گرفته است. مع الوصف، توازن قدرت هنوز هم به نفع امپریالیسم و ارتجاعیون و علیه مردم جهان است. با دغرب هنوز بر باد شرق برتر است. در این شرایط امکان جنگ جهانی دیگری موجود است، هر چند که فاکتورهای جلوگیری از آن وجود دارند.

۱۴. انقلاب کردن جشن توده ها است. در نتیجه، بسیار مهم است که راه درخور بتواند میلیونها انسان را بسیج کند. بدین منظور، اولین نیاز مهم عبارت است از این



➤ که حزب ما تکامل یافته و مبارزه همراه با نیروهای چپ و دموکراتیک را استحکام بخشد. در این مسیر فعالیتهای مشترک با پارلمان نشینان چپ راه به جایی نمی برد.

۱۵. در وضعیت مشخص کشورمان مبارزه پارلمانی یک مبارزه مهم می باشد. اهمیت دادن درجه اول به مبارزه فرا پارلمانی، ما باید به دلیل اهمیت این مبارزه به آن نیز بپردازیم. برای رشد دادن مبارزات فرا پارلمانی بسیار مهم است که ما پلاتفرمهای پارلمانی و مجلس را بادقت فراهم کنیم.

۱۶. در خدمت تغییر انقلابی جامعه، فعالیتهای حزب باید در جهت تکامل دو فعالیت قانونی و غیرقانونی، علنی و مخفی و بین مبارزه مسلحانه و غیرمسلحانه پیش برده شود. ۱۷. حکومت بی.جی.پی در حال حاضر در قدرت سرسختانه سیاستهای نولیبرالی را به کار می برد. ما نیاز به متحد کردن همه ضد نیروهای نولیبرال علیه این حمله شدید داریم. در عین حال، ما نیاز به مقاومت در برابر تلاشهای قطب بندی مذهبی و دیگر تلاشها در تبدیل هندوستان به کشوری هندی داریم. ما نیاز به مبارزه علیه انواع تقسیم بندی داریم که تقسیم بندی هندوئی را خطر عمده می دانیم.

۱۸. وضعیت کنونی در هندوستان نیاز به چنان حزب مارکسیست - لنینیستی دارد که بتواند منشویسم گوناگون هندی را مانع شود، که نماینده آنها حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)، حزب کمونیست هندوستان و غیره و انواع خلق گرایان هندی، نظیر حزب کمونیست هندوستان (مائوئیست) می باشند.

۱۹. در تقویت مبارزات ضد امپریالیستی جهان وحدت میان احزاب مارکسیست - لنینیست و سازمانها در جهان مورد نیاز هست. انترناسیونالیسم پرولتری چنین درخواستی دارد.

همراه نکات درپیش گفته در مورد وحدت ما اختلاف نظرانی نیز داریم. اینها به قرار زیراند:

۱. راه حلهای مختلف در مورد دیدگاه استعمار جدید.
۲. وضعیت کنونی در کشاورزی هندوستان.
۳. مقایسه مهم دو جانب انقلاب دموکراتیک نظیر امپریالیسم و فئودالیسم.
۴. در مورد تضاد عمده
۵. در تجدید سازماندهی کمونیسم جهانی.
۶. فعالیت مشترک با حزب کمونیست هندوستان - حزب کمونیست هندوستان مارکسیست.

نکاتی نیز وجود دارند که نیاز به بحث بیشتر، تحقیق، مطالعه و تبادل نظر دارند، نظیر:

۱. در مورد سوسیالیسم و تجربه ساختمان سوسیالیسم.
 ۲. در مورد تاریخ جنبش کمونیستی بین المللی و ملی.
 ۳. در مورد تضاد بین امپریالیسم و کشور/خلق هندوستان.
- بخشهای وسیعی از اتحاد نظر کامل در مورد مسائل مهم در رابطه با انقلاب هندوستان ما را به سوی وحدت در حزب واحدی می کشاند. ما تصمیم گرفتیم به وحدت در حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست) پرچم سرخ. ما عمیقاً اعتقاد داریم که وحدت امروز دو حزب تنها «گام اول در راه پیمائی طولانی ۱۰ هزار لی» می باشد. ما از تمامی احزاب کمونیست انقلابی، سازمانها و افراد در هندوستان می خواهیم تا روند ساختمان یک حزب کمونیست واقعی را در سطح تمامی هندوستان تحقق بخشند.

امضا کنندگان

رفیق ک. ان. رامانچاندرا، دبیر اول حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست) ستاره سرخ
رفیق پرادیپ سینگ تاکور، دبیر حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست) پرچم سرخ

نامه به حزب

مارکسیست - لنینیست کمونیست

ترکیه

۱۸ دسامبر ۲۰۱۴،

ساعت ۱۳.۳ بعد از ظهر

رفیق ما، سارایا،

در مقاومت کوبانی ابدی شد

رفیق سارایا نوزگور (سبیل بولوت)، عضو حزب ما حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۴ در جریان مقاومت دفاع کوبانی در روجاوا (کردستان سوریه) جان باخت.

رفیق سارایا در وحدت و مقاومت انقلاب محل خلقهایمان با عمل خود گام پیش گذاشت. او نمونه یک زن کمونیست آزادی خواه و رفیقی علیه دارودسته فاشیستی ایسیس، عروسک امپریالیستها و قدرتهای استعماری بود. با جواب دادن به فراخوان حزب، رفیق سارایا پرچم را از دیگر رفقا، سرکان توزون و پاراماز کیزیلباش گرفت. و آن را تا پایان عمرش با افتخار، با خواست انقلابی متعهدانه و با قاطعیت با خود حمل کرد. او

به طریقی انقلابی به سوی دارو دسته ی فاشیستی ایسیس دشمنان خلق و آزادی پیش رفت. درست همانند دیگر رفقا آرین میرکان و قادر اورتاکایا که در کوبانی جان باختند! در اولین سالهای انقلابی شدنش، رفیق سارایا در روزنامه آتیلیم کارکرد. اودراین رابطه مورد بازجوئی رژیم فاشیستی قرار گرفت. طی مدتی او در کارحزبان در سازمان کردستان فعالیت نمود. سپس او متوجه کوهستانها شد با اعتقاد به این که رهائی زنان تنها با شرکت در فرماندهی زنان قابل تحقق می باشد. او وظایف داده شده توسط حزب را با اعتقادی بزرگ میل و خواست قدرتمندی انجام داد.

او علیه دارودسته ایسیس در صفوف ی.پ.گ. / ی.پ.ج به عنوان عضو حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست مبارزه کرد. او به دلیل مقاومت، تعهد، خواست قدرتمند، نفرت طبقاتی و عمل، و نشان دادن تعهد و جسارتش مورد تحسین قرار گرفت.

طی اقامتش در کوبانی، رفیق سارایا به انقلابیون و مردم، جوانان، زنان و مردم در محل، در منطقه و توسط نیروهای بین المللی رزمنده برای انقلاب و سوسیالیسم گفت «دفاع از انقلاب» و «محکم به دست گرفتن انقلاب» را انجام دهیم.

او گفت «دفاع از انقلاب روجاوا به معنای دفاع از آزادی آینده است»... «در صورت ضرور، ما جان خواهیم باخت»... «وظیفه ی انقلابیها انقلاب کردن است». او به گونه ای که فکر می کرد و می گفت زنده گی کرد. او پرچم سرخ را به ماسپرید با گفتن این که «هرجا که ستم موجود باشد کمونیستها باید آن جا باشند».

رفقای ما سرکان، پاراماز و سارایا، که در انقلاب روجاوا ابدی شدند، وظایف تاریخی و سیاسی انقلابی را نشان دادند. آنها راه آزادی و مبارزه برای سوسیالیسم را نشان دادند. حزب ما در راهی که آنها گام برداشتند آگاهانه و قدرتمندانه و متعهدانه به سوی پیروزی پیش خواهد رفت.

فراخوان رفقای ما، فراخوان گردان بین المللی نیز هست. فراخوانی است محلی و بین المللی، به احزاب انقلابی و گروهها برای «رفتن به روجاوا به خاطر انقلاب روجاوا و مقاومت کوبانی».

زنده باد انقلاب و سوسیالیسم!

رفیق سارایا ابدی شد!

به انقلاب روجاوا و مقاومت کوبانی پیوندیم

.....



از وحدت کمونیستهای هندوستانی در یک حزب بیاموزیم!



زمان آن فرا رسیده... بقیه از صفحه آخر

اما، در اینجا یک توازنی است که آنها در توضیحش با شکست مواجه شدند - چه عاملی سبب شده است که دلار کاغذ توالتی آمریکا هنوز شناور باشد؟ ارزش دلار بالا و پائین می رود صرفاً در هوی و هوس و خیالات بانک فدرال و بانکداران جهانی که با توافق و همکاری آنها از طریق بازار قلب فورکس (بازاریست در دسترس همه که در آن خریداران و فروشندگان معاملات ارز خارجی انجام می دهند) با دلار نفتی (پترو) عمل می کنند.

بسیاری از تحلیل گران با تلاش فراوان سعی کرده اند که بفهمند چگونه این بازار قمار با ریسک بالا را می توان شکست داد به خصوص، هنگامی که ارزها به پائین ترین مقدار خود سقوط کرده اند هم چنانکه در مورد روبل در هفته های اخیر رخ داد. جنگ ارزی وارد فاز نهائی خود می شود، و حزب انگلو آمریکائی/صهیونیستی جنگ طلب با شوق و شغف بالا پائین می برند چون روبل با سرعت به سمت پائین یعنی فاجعه می رود.

این مشکلی است که تمام کسانی که بیش از حد اعتماد به نفس دارند و جوجه ها را قبل از سر از تخم در آوردن می شمارند. اجازه دهید ما اینجا ذکر کنیم و اکنون چرا این بسیار ساده است که دلار آمریکا را با معادل مالی تیرکمان حضرت داوود از بین برد. همیشه یک درز یاشکافی در هر جنگ افزار زرهی وجود دارد بدون توجه به اینکه چگونه به خوبی ساخته شده است.

هر قدر سیستمی پیچیده تر باشد ساده تر می شود در آن نفوذ کرده و نابودش نمود، به دلیل اینکه هر قدر یک سیستم پیچیده می شود، آسان تر می شود مکان درز و ترک آن را در حلقه ضعیف سیستم ملاحظه کرد. سیستم های مالی در حال حاضر اساساً سیستم ارزی بدون پشتوانه رقابت آمیزی می باشند که با فدرال ریزرو (و بانک بین المللی اسکان در پی آن) کنترل می شوند.

مهی که توسط جنگ بوجود آمده، حتی باهوش ترین افراد را عاجز به درک این حقیقت ساده در مقابل چشمانشان کرده است.

همه پولهای کاغذ توالتی دارای یک ارزشند - هیچ، صفرند

هر ارزشی به هر گونه پول کاغذ توالتی متصل است، مصنوعی است و این ارزش

به عنوان نتیجه یک توافق توسط قدرتهای بزرگ به آن داده شده و بس! ارزش پول کاغذ توالتی آمریکا صفر است. اما، هنگامیکه این ارزش صفر پول کاغذ توالتی در مبادله با دیگر پول های کاغذ توالتی معامله می شود، به دومی همیشه ارزش کمتری داده خواهد شد. این جا استثنا هایی برای این قاعده وجود دارد، زمانی که آن مناسب قدرتهای مالی جهانی است که ارزش مصنوعی پول کاغذ توالتی ایالات متحده را تنزل دهد.

این خنده دار است! دارندۀ یک نوع از پول کاغذ توالتی (با ارزش صفر) به میل خود می پذیرد که پول بی ارزش خود را با پول کاغذ توالتی ایالات متحده (با ارزش صفر) که با ارزشی مصنوعی توسط قدرتهای مالی جهان تحمیل شده معاوضه کند.

این به عنوان « علم اقتصاد » قابل قبول و اذعان شده (ترکیب متضاد یا لطف ظالمانه) الغاء شده است به دلیل اینکه، روسپی های فکری، متخصص در « علم اقتصادی که به جادوگری و غیبگوئی می پردازند » که مارک « برندگان جایزه نوبل » را به خود اختصاص می دهند می گویند.

• = • + •

این نمی تواند چیزی غیر از این باشد. بیائید و ائتلاف وقت نکنیم و به رها کردن تیر کمان ادامه دهیم.

دقیقاً چه مدت بیشتر ولادیمیر پوتین می خواهد که در این بازی مالی که توسط دو گروه انجام می پذیرد شرکت کند؟

این بازی دارد مطلقاً خسته کننده می شود. اگر پوتین و چین در حال حاضر، حاضر به رها کردن تیرکمان نیستند، ما هیچ چاره ای نداریم جز اینکه به جهان اعلام کنیم که این تیر کمان مالی چیست (به امید اینکه یک نفر دیگر این کار را انجام دهد).

این برای روسیه و چین و با هر کشور دیگر به آسانی اینست که تصمیم گرفته اند که اجازه ندهند که پول آنها بر اساس دلار ایالات متحده ارزش گذاری شود.

برای جلوگیری از این دروغ بافی ها که یک دلار کاغذ توالتی آمریکا در حال حاضر معادل ۵۰ یا ۶۰ یا هر مقدار دیگری از روبل، یوان، رینگیت، یین ژاپن و غیره است، مطلقاً هیچ نیازی به انجام این کار وجود ندارد! تیرکمان را رها سازید

یک دولت مستقل است و بنابراین می تواند ارزش پول خود را تعیین و اعلام کند.

در سال ۱۹۹۷، مالزی امواج شوک یک سویی و یک جانبه فرستاد و ارزش یک دلار آمریکائی را برابر (*) تعیین کرد.

اما این هنوز معامله ای مابین پول کاغذ توالتی بود. اما، با این وجود در آن زمان هدفی را دنبال می کرد و کسری ها را فوراً از میان برداشت. اما، کم بودها فقط جان سالم به در بردند تا راه انداختن جنگی دیگر. اما، من در حال حاضر به تمام معنی در مورد نابودی کل صحبت می کنم. دیگر جای هیچ گونه احتیاط و پنهان کاری نیست. از آنجا که روسیه و چین مقدار عظیمی طلا ذخیره دارند و فدرال ریزرو هیچ، تنها کاری را که چین و روسیه باید بکنند اینست که ارزش پول خود را با طلا بسنجند.

در حال حاضر قیمت طلا در آمریکا هر اونس (۲۸/۳۵ گرم یا یک شانزدهم پوند) تقریباً حدود ۱۲۰۰ دلار کاغذ توالتی است (که روزانه با درجه ای به بالا و پائین نوسان می کند).

تنها چیزی که روسیه یا چین نیاز به انجام آن دارد این است که فقط اعلام کند که چقدر یک اونس طلا به روبل یا یوان ارزش دارد. این حرکت اعمال حاکمیت توسط دولت یک کشور می باشد. این نیاز به هیچ موافقت یا اجازه رسمی توسط آمریکا یا فدرال ریزرو یا هر کس دیگری ندارد.

این فقط اعلام یک خواسته ناگهانی است!!! چرا یک کشور مستقلی می خواهد به این بازی احمقانه پر از تقلب ادامه دهد، حدس و گمان هر کسی می تواند باشد. چقدر ساده لوحانه و احمقانه یک نفر می تواند باشد.

*The value of Ringgit id at RM3.80 to US\$1

۵۰ واقعه رخ داده در سال ۲۰۱۴ که به نظر ساختگی می رسند اما، واقعاً حقیقی می باشند توسط مایکل اسنایدر

Endofamericandream.com

سال ۲۰۱۴ سالی کاملاً شگفت آور و نامأنوس بود، آیا چنین نبود؟ در دوازده ماه گذشته ما مواحه بودیم با واقعه سرنگونی هواپیمای ام اچ ۳۷۰، ابولا، جنگ داخلی در اوکراین، خیزشها و ناآرامی های خیابانی در فرگوسن، ظهور داعش و سقوط دمکراتها در انتخابات میان دوره ای. جهان ما جنون آمیز تر می شود و بی ثبات تر با هر روزی که می گذرد و من احساسی دارم که همه چیز با سرعت و شتاب در سال ۲۰۱۵ در حال تغییر خواهد بود. اما، در این لحظه اوضاع نسبتاً آرام به نظر می رسد، هم چنانکه بسیاری از نقاط جهان





به خاطر جشن فصل تعطیلات به نظر آرام می باشد، بنابراین، اکنون زمان مناسبی است که به عقب برگردیم و ببینیم کجا در سال گذشته بودیم و چه تغییراتی صورت گرفته است. حقایق را که من اکنون می خواهم با شما در میان بگذارم ممکن است به نظر شما نادرست باشند، اما تمامی آنها کاملاً حقیقت دارند. اگر شما در مورد هر یک از اینها شک و تردید دارید به منبع موجود در وب سایت بالا مراجعه کنید. گفته شده است که حقیقت بیگانه از تخیل است، و این قطعاً در مورد دوازده ماه گذشته درست بوده. **بدون هیچ دستورالعملی، این پنجاه واقعه رُخ داده در سال ۲۰۱۴ بدون اینکه جعلی باشند، در حقیقت واقعیت دارند....**

در اینجا فقط به توضیح تعدادی از رخدادها قابل ملاحظه در سال ۲۰۱۴ می پردازیم. قیمت یک پوند گوشت چرخ کرده گاو به بالا ترین نرخ یعنی چهار دلار و بیست سنت رسید. درست ده سال قبل این گوشت پوندی دو دلار و بیست و یک سنت بود.

در این فصل تعطیلات امسال، تقریباً ۲۰ درصد خانواده های آمریکائی به علت فقر به کوپن رایگان (توزیع شده توسط دولت) مواد غذایی وابسته اند. اما، از آنجا که بازار سهام همین طور رو به افزایش است، بیشتر بقیه مردمان این کشور به نظر نمی رسد که توجهی به آن داشته باشند.

بطور حیرت انگیزی، ۳۱،۱ درصد از جوانان آمریکائی بین سنین ۱۸ تا ۳۴ سال با والدینشان زندگی می کنند. ولی، خبر خوب این است که تقاضا برای آرایش زیر زمین های رنگ (منازل) و رو رفته به بالا ترین رقم افزایش یافته.

طبق گزارش وال استریت ژورنال نزدیک به یک سوم تمام شهروندان آمریکائی دارای پرونده ای در کامپیوتر اطلاعات کلیدی جنائی اف بی آی می باشند.

طبق گزارش مرکز کنترل امراض (بیماری)، ۳۴،۶ درصد از تمام مردان آمریکائی رسماً می شود گفت که به بیماری چاقی مبتلا می باشند.

در این مرحله زمانی، تنها ۳۶ درصد جمعیت آمریکائی می توانند از ۳ قوه دولت نام ببرند. یک بررسی (آمار) انجام شده کشف کرد که ۴۵ درصد تمام شهروندان آمریکائی از فصل کریسمس « ترس و نگرانی » دارند (که البته به خاطر عدم توانائی مالی برای خرید هدیه و بالاخره برگزاری جشن کریسمس می باشد - مترجم).

تنها ۴۸ درصد شهروندان آمریکائی می توانند بلافاصله مبلغ ۴۰۰ دلار پول نقد

در مواقع اضطراری بدون قرض گرفتن یا فروش چیزی تهیه کنند.

یک دانشمند محقق دانشگاه ام آی تی هشدار می دهد که اگر روند فعلی ادامه یابد، ۵۰ درصد تمام کودکان آمریکائی تا سال ۲۰۲۵ خدانا باور خواهند بود.

نیمی از فارغ التحصیلان دانشگاه در آمریکا هنوز بعد از دو سال اتمام و خروج از دانشگاه، از نظر مالی وابسته به پدر و مادر خود می باشند.

بر اساس یک نظرسنجی که در اوایل سال ۲۰۱۴ انجام شد، ۵۲ درصد تمام شهروندان آمریکائی حتی نمی توانند قدرت مالی برای خرید خانه ای را که در حال حاضر در آن زندگی می کنند داشته باشند.

شبکه خبری اخیر ان بی سی و مجله وال استریت ژورنال نشان می دهد که ۵۷ درصد از تمام شهروندان آمریکائی روابطه نژادی در آمریکا را « بد » می پندارند. این بدترین آمار است در ۲۰ سال گذشته.

اخیراً در یک نظر سنجی نگران کننده کشف شد که ۵۹ درصد از آمریکائی ها از شکنجه کردن زندانیان ما حمایت می کنند.

در ایالات متحده امروز، ۶۰ درصد فارغ التحصیلان لیسانس از زنان می باشند.

این یک کتمان حقیقت بزرگ است که بگوئیم پورنوگرافی فقط بین مردان آمریکائی رایج و محبوب است. به عنوان مثال، یک بررسی کشف کرد که ۶۴ درصد از مردان مسیحی مابین سنین ۳۱ تا ۴۹ حد اقل بصورت ماهانه پورنو تماشا می کنند.

یک نظرسنجی تکان دهنده جدید نشان داد که ۶۵ درصد از آمریکائی ها معتقدند که دولت « ورشکسته » است. بخش تکان دهنده این بررسی این است که تنها ۶۵ درصد به این موضوع واقفند.

اداره آمار آمریکا در ماه دسامبر گذشته گزارشی انتشار داد که نشان می دهد ۶۵ درصد تمام کودکان در آمریکا در خانه ای زندگی می کنند که به نوعی کمک هزینه برای تغذیه از دولت فدرال دریافت می کنند.

با توجه به مرکز پژوهشی پیو که در اوایل سال گذشته انتشار یافت، ۷۸ درصد از زنان در ایالات متحده « همسری را می خواهند که دارای شغل ثابت » باشد.

۸۵ درصد از تمام درختهای مصنوعی کریسمس در حال حاضر در چین ساخته می شوند، و شایع است که بابا نوئل با شیطننت هایش در نظر دارد با مهم ترین حرکت، خود را به شهر چینی به نام سنژن تغییر مکان بدهد.

ایالات متحده تبدیل شده است به کشور « اورژانس دائم ». در واقع، از سال ۱۹۷۹

تا به امروز حد اقل « یک وضعیت اضطراری » هر سال وجود داشته.

تلفات بیماری ایبولا در سراسر جهان از مرز هفت هزار و پانصد گذشته، اما اکثر آمریکائی ها به این باورند که این بحران به پایان رسیده است. حقیقت اینست که این ممکن است تازه شروع این بحران بزرگ باشد.

طبق گفته اداره تامین اجتماعی، ۵۲ درصد از کارکنان شاغل آمریکائی در آمدشان در سال گذشته کمتر از ۳۰ هزار دلار بوده.

در حال حاضر مک دونالد در ایالات متحده داری ۱۴۲۶۷ محل فروش می باشد، اما تعداد شعبات وام دهنده در روز پرداخت حقوق این کارگران به ۲۰۰۰۰ می رسد. (این شعبات وام دهنده چک این کارگران زحمتکش را که یا اعتبار و یا استطاعت باز کردن حساب بانکی ندارند، با درصدی بالا - بیش از ۱۰ درصد - نقد می کنند - مترجم).

در سال ۱۹۸۰، تنها ۳۰۰۰ حملات با سلاح ها و تاکتیک های ویژه در ایالات متحده انجام گرفت. اما امروز، بیش از ۸۰۰۰۰ حملات با سلاح ها و تاکتیکهای ویژه هر سال در این کشور انجام می گیرد.

تخمین زده می شود که حد اقل صد هزار از کارگران تن فروش (فاحشه)، زیر سن قانونی در ایالات متحده مشغول کارند. به هر صورت اگر شما در تعجبید، بله این بدان معنی است که ما یک ملت بیماری هستیم.

فرض بر این است که ما باید یک دولتی باشیم « از مردم، توسط مردم و برای مردم»، اما در این لحظه بیش از نیمی از اعضای کنگره آمریکا میلیونر هستند.

در حال حاضر یک میلیون و چهارصد هزار نفر از اعضای گروه های جنایتکار کانگستری در شهرهای ما وجود دارند.

در حال حاضر بیش از دو میلیون و چهارصد هزار نفر در آمریکا پشت میله های زندان قرار دارند، و از سال ۱۹۸۰، تعداد نفراتی که زندانی شدند به چهار برابر رسیده است.

باتوجه به گزارش مرکز ملی مربوط به خانواده های بی خانمان، اکنون دو و نیم میلیون کودک بی خانمان در ایالات متحده وجود دارند.

در آمریکا امروز بیش از ۳۰ میلیون نفر از داروهای ضد افسردگی استفاده می کنند. و به خاطر داشته باشید که داروهای ضد افسردگی تنها یک گروه از مخدر های شرکتی داروسازیست. بطور کلی، طبق گزارش مایو کلینیک، نزدیک به ۷۰ درصد از آمریکائی ها در حال حاضر حد اقل از یک نسخه تجویز شده مخدر استفاده می کنند.

بیش از ۴۰ میلیون دلار فقط به منظور تعطیلات برای باراک اوباما و خانواده



اش از زمانیکه پای به کاخ سفید گذارند تا به حال خرج شده است. یک رقم حیرت انگیز از ۴۹ میلیون آمریکائی، بررسی شده که اکنون با عدم امنیت غذایی مواجه اند.

حدود یک سوم از کل جمعیت آمریکا (۱۱۰ میلیون نفر) در حال حاضر طبق آمار مراکز کنترل و پیشگیری امراض، به بیماری واگیر دار جنسی مبتلا هستند. جمعیت بنگلادش، ۱۵۶۶۰۰۰۰۰ می باشد که در واقع بزرگتر از جمعیت روسیه (۱۴۳۵۰۰۰۰۰) است. اما هیچ کس از بنگلادش نمی ترسد.

در حال حاضر برای اولین بار، بیش از ۳ میلیارد نفر در سراسر جهان بر روی اینترنت هستند. من نمی دانم، اگر این چیز خوبی است یا بد.

بدهی وام دانشجویی در آمریکا به جمع کلی برابر با یک تریلیون و ۲۰۰ میلیارد دلار رسیده است. این رقم افزایشی برابر با ۸۴ درصد فقط از سال ۲۰۰۸ تا به حال داشته است. جنگ در عراق برای مالیات دهندگان آمریکائی بیش از ۲ تریلیون دلار هزینه دربرداشت. اما در حال حاضر یک سازمان تروریستی جهان تحت نام داعش تقریباً یک سوم کل عراق را تحت کنترل دارد.

در حال حاضر ۵ تریلیون از قطعات کوچک و بزرگ پلاستیک در سراسر اقیانوسهای جهان شناورند و مقدار زیادی از همین قطعات پلاستیکی در همین اقیانوسها هر روز ریخته می شوند.

مقدار بدهی فعلی ملی آمریکا به بیش از ۱۸ تریلیون دلار رسید (البته اگر بدهی وام دانشجویی، بدهی کارتهای اعتباری، بدهی بخش خصوصی و غیره را به حساب بیاوریم، از مرز ۷۰ تریلیون دلار تجاوز می کند - مترجم). این بیش از یک تریلیون دلار در همین سال مالی که چند ماه قبل به پایان رسید، افزایش یافت، و این مقدار با آهنگی حدود دو برابر در طول مدت هشت سال اوباما در کاخ سفید پیش می رود.

ما تعداد ۵ بانک «بیش از حد بزرگ که شکست بخورند» در ایالات متحده داریم که هر کدام از این بانکها دارای ارزشی برابر با ۴۰ تریلیون دلار هستند که در معرض مشتقات (*) قرار دارند. این یک «شمش داماکولسی» است که می تواند سیستم مالی ما و کل اقتصاد ما را در هر زمان از بین ببرد. بیایید فقط امید وار باشیم که این اتفاق در سال ۲۰۱۵ بوقوع نپیوندد.

(*) - یک مشتق، قرارداد مالی است که ارزش

خود را از عملکرد موجودیت دیگری مانند سرمایه، شاخص، و یا نرخ بهره که به آن «بنیادین» می گویند می گیرد. مشتقات یکی از سه دسته اصلی از ابزارهای مالی هستند، دومی و سومی به ترتیب سهام و بدهی (به عنوان مثال اوراق قرضه و وام مسکن) می باشند. مشتقات شامل انواع قراردادهای مالی، از جمله آینده ها، پیشینه ها، مبادله ها، گزینه ها و تغییراتی از این قبیل مثل سرمایه ها، مشتقات، قراردادیست مابین دو طرف که شرایط را مشخص می سازند (به خصوص تاریخ، نتیجه ارزش ها و تعاریف از متغیرهای اصلی، تعهدات قراردادی طرفین و مقدار موهوم) که تحت آن پرداخت مابین طرفین انجام می گیرد. معمول ترین دارائی های اصلی شامل کالا ها، سهام، اوراق قرضه و نرخ بهره و ارز هستند، اما آنها می توانند مشتقات دیگری نیز باشند که لایه دیگری از پیچیده گی به ارزیابی مناسب آن اضافه می کند. اجزای ساختار سرمایه یک شرکت، به عنوان مثال، اوراق قرضه و سهام، هم چنین می توانند به عنوان مشتقات، یا دقیق تر گزینه ها در نظر گرفته شوند، با زمینه ای که دارائی های شرکت است، اما خارج از زمینه های فنی، این غیر معمول می باشد. بطور کلی مشتقات شامل انواع قراردادهای مالی، از جمله آینده ها، پیشینه ها، معاوضه ها، گزینه ها و تغییراتی از این قبیل مثل حد بالای نرخ بهره (کپس)، نرخ مرجع زیر قیمت مورد اصابت توافق شده (فلورها)، کالورها (یک استراتژی گزینه ایست که دامنه بازده مثبت یا منفی را در راه یک گستره خاص واقعی محدود می سازد)، و بیمه کردن قروض که بنام اعتبارات نکول شونده می باشد (کردیت دیفال سوپس).



ایستادگی دلاوران خلق ...

بقیه از صفحه آخر

و ضد روشنگری (داعش) می پردازیم.

اوضاع متلاطم و علت الال آن

- امروز بروز و فراز تلاطمات متعدد و وقوع بحران های گوناگون معیشتی، اجتماعی، امنیتی و بهزیستی هسته اصلی اوضاع رو به رشد را در جهان تشکیل می دهند. مبرهن و روشن است که تاریخ جوامع انسانی تاریخ تلاقی ها و تلاطمات بوده است. ولی هیچ زمانی در تاریخ بشر این تلاطمات، بحران ها، تحویل و تحولات و دگردیسی ها به عمق و وسعت تلاطماتی که امروز شاهد آنها هستیم، نبوده اند. جنگ های معروف تاریخ در ۲۵۰ سال گذشته عمدتاً منبعث از بحران و تلاطماتی بودند که وسعت و عمق شان منطقه ای، نیمه قاره ای، تک قاره ای و حداکثر دو قاره ای

بودند. اما تلاطمات کنونی برخلاف دوره های گذشته فراگیرتر و با یک بُعد جهانی کل کشورهای پنج قاره جهان و اقیانوس ها را می گیرند.

- علت الال این اوضاع متلاطم پدیده ای دوله، دوگانه و یا دوسره ای است که بطور دیالکتیکی لازم و ملزوم و مکمل هم بوده و منبعث از تشدید تضادهای درون نظام جهانی سرمایه در فاز فعلی حرکت سرمایه (بازار آزاد نئولیبرالی) است. لبه اول بحران عمیق ساختاری نظام جهانی سرمایه است. در توضیح این بخش از علت الال باید به چندین نکته اشاره کرد. یکم اینکه ابدیتی که حامیان و متفکرین نظام به سرمایه داری قائل هستند در حداقل یک توهم و در نهایت یک کذب محض است که ریشه در آموزش های بنیادگرایانه "بازار مقدس" سرمایه داری دارد. در صورتیکه می دانیم که نظام سرمایه نیز مثل هر نظم و سیستمی بعد از یک زندگی پر از سروری، تحرک و تحول به دوران پیری و فرتوتی خود رسیده و با غلطیدن در بحران عمیق ساختاری عظیم در بستر موت افتاده است. نکته دو اینکه این بحران ساختاری برخلاف گذشته از این امر تاریخی سرچشمه می گیرد که هیچ نظام جهانی نمی تواند به باقیمانده عمر خود ادامه دهد مگر اینکه ساختارش بر اساس روابط مطلقاً آشتی ناپذیر اجتماعی - سیاسی به پیش، نرفته باشد. امروز اوضاع متلاطم و پر از آشوب جهان نشان می دهد که این روابط عمیقاً آشتی ناپذیر در تار و پود (متابولیسم) نظام جهانی بیش از هر زمانی در تاریخ پانصد ساله سرمایه داری رخنه کرده و درجه استثمار و دیگر بیعدالتی ها و نابرابری ها در جهان را به سطح غیر قابل تحمل (اشباع)، رسانده است. - انعکاس اشباع استثمار طبقاتی و ظلم و ستم سراسری اجتماعی همانا هسته اصلی لبه دوم علت الال تلاطمات و بحران های سرتاسری است: فراز امواج خروشان بیداری ها و جنبش های رهائی که امروز در سراسر جهان - از شهر فرگوسن در ایالت میسوری آمریکا تا شهر کوبانی در کردستان سوریه - به روشنی نمایان است.

برنامه راس نظام برای

برون رفت از بحران

- برنامه معماران استراتژی جهانی راس نظام آمریکا در برون رفت از این بحران و تلاطمات منبعث از آن تسلط نظامی بر پنج قاره جهان در قرن ۲۱ م (قرن آمریکا) است. پیشینه شکلگیری و رشد این





▶ پروژه جهانی که امروز مولفه های اصلی آن توسط نئوکان های حامی بازار آزاد نئولیبرالی تعبیه ، تنظیم و پیاده می گردند، به آغاز دوره جنگ سرد (بلافاصله دو سال بعد از پایان جنگ جهانی دوم: ۱۹۴۷) می رسد. در آن سال ها مولفین سیاست خارجی آمریکا که در آن زمان به قله مقام و موقعیت هژمونیک در جهان رسیده بود، مطرح ساختند که آمریکا با استفاده از موقعیت هژمونیک خود بویژه در گستره های برتری نظامی ، مناطق استراتژیکی - ژئوپولیتیک کلیه جهان را از طریق جهانی ساختن "دکترین مونرو" به حیاط های خلوت خود تبدیل کند . مدارک رسمی دولتی آمریکا و آثار پژوهشی مورخین تاریخ معاصر نشان می دهند که این پروژه به علت بروز و رشد سه چالش بزرگ در صحنه جهانی در دهه های ۵۰ ، ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم علیه هژمونی طلبی های امپریالیسم آمریکا ، از سوی اولیگارش "دو حزبی" راس نظام به تعویق انداخته شد. این سه چالش بزرگ که به نام سه ستون مقاومت نیز از سوی چالشگران ضد نظام سرمایه معروف گشتند، عبارت بودند از:

- ۱ - رشد و قدرت گیری اتحاد جماهیر شوروی در صحنه جهانی به عنوان یک ابرقدرت در مقابل راس نظام،
- ۲ - عروج امواج جنبش های رهائی بخش ملی از یک سو و جنبش های توده ای سوسیالیستی از سوی دیگر در سه قاره آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین و
- ۳ - گسترش جنبش های اصیل سوسیالیستی - کارگری در کشورهای اروپای آتلانتیک.
- با اینکه این سه چالش و یا سه ستون مقاومت توانستند در زمینه های متعدد و در کشورهای گوناگون در بند پیرامونی و حتی در کشورهای اروپای آتلانتیک آمریکای هژمون را وادار به عقب نشینی نموده و حتی موفق به کسب امتیازات از کشورهای مسلط مرکز گردند، ولی بعد از مدت زمانی به علل داخلی و خارجی (منجمله تهاجم مجدد نظامی و اقتصادی راس نظام) از نفس افتاده و به تدریج از نیمه اول دهه ۷۰ و سال های آغازین فاز فعلی جهانی گرائی (نیمه اول دهه ۱۹۸۰) در مسیر فرود و فروپاشی قرار گرفته و با آغاز دهه ۱۹۹۰ به پایان عمر خود رسیدند.
- بعد از فروپاشی و تجزیه شوروی و کشورهای عضو "پیمان ورشو" و آغاز دوره بعد از جنگ سرد در ۱۹۹۱، مولفین و معماران سیاست جهانی ساختن "دکترین مونرو" (که این دفعه به نام نئوکان ها در

صحنه سیاسی آمریکا حضور پیدا کرده و بعد از نفوذ در درون وزارت خانه های دفاع و امور خارجه آمریکا در دهه ۱۹۹۰ موفق به تسخیر کاخ سفید گشته بودند) اعلام کردند که زمان و دوره اعمال سیاست جهانی سازی دکترین مونرو توسط آمریکا "بلامنازع" فرا رسیده است . بازیگران اصلی این سیاست که این دفعه بنام نئوکان ها (نومحافظه کاران) در صحنه سیاسی آمریکا بعد از نفوذ در وزارت خانه های دولت در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ موفق به تسخیر کاخ سفید در سال ۲۰۰۰ گشته بودند، اعلام کردند که "تاریخ به پایان" خود (پایان مبارزات طبقاتی و ملی) رسیده و وارد عصر "تلاقی تمدن ها" گشته است: تلاقی ها و جنگ ها بین پیروان ادیان، مذاهب و فرهنگ های متضاد و آشتی ناپذیر. براساس این روایت فرهنگ گرا . نئوکان ها با حمایت بی دریغ رهبران احزاب دوقلوی جمهوریخواه و دموکرات ادعا کردند که قرن بیست و یکم "قرن آمریکا" خواهد بود، قرن که در طول آن آمریکا "بلا استثنا" و "بلامنازع" به عنوان یک ابر قدرت با اعمال قوانین حاکم بازار آزاد نئولیبرالی و سیطره نظامی "نظم نوین جهانی" را در سرتاسر کره زمین بنا می کند.

- برای رسیدن به آن هدف نهائی معماران سیاست خارجی آمریکا که در واقع ایدئولوگ های انحصارات پنجگانه حاکم بر اولیگارش های دوحزبی آمریکا هستند، به ایجاد یک پروژه آتی دست زدند که امروز به گره گاه اصلی تلاطمات در سراسر جهان تبدیل شده است و آن تلاش آمریکا در تبدیل خاورمیانه بزرگ (استراتژیکی ترین و ژئوپولیتیک ترین منطقه جهان) به "حیات خلوت" امپراتوری خود است. اگر آمریکا در این راه (اتخاذ هژمونی نفتی در خاورمیانه بزرگ) پیروز گردد در آن صورت می تواند با قدرت بیشتری در جهت هدف آتی (تحدید چین بعد از تضعیف روسیه) به پیش تاخته و سپس شرایط را برای تسلط کامل نظامی بر کلیه کره خاکی ، میسر سازد. ناکامی آمریکا در پیشبرد این پروژه نه تنها امپراتوری آشوب را از کسب مدال قرن آمریکائی اش محروم خواهد ساخت بلکه بررسی پیچ و خم اوضاع متلاطم رو به رشد (از مبارزات وسیع توده ای در فرگوسن ایالت میسوری در شکم خود هیولا گرفته تا ایستادگی خلق کوبانی در کردستان غربی = روزئاوا = علیه فاشیسم داعش) در جهان از یک سو و رشد فرسودگی، بی ربطی و فرتوتی راس نظام - آمریکا - از سوی دیگر احتمال می

دهد که شرایط برای دگرپرسی جهان از جهان تک محوری و تک قطبی به جهان دوقطبی و دوحوری و حتی چند قطبی و چند محوری در آینده نه چندان دور حداکثر در ۲۰-۱۵ سال آینده، مهیا گردد.

- به هر رو اولیگارش دو حزبی آمریکا با توسل به دو وسیله اصلی در سال های بلافاصله بعد از پایان دوره جنگ سرد برنامه ریخت که به هدف آتی سیاست جهانی خود (کسب هژمونی نفتی در خاورمیانه بزرگ) برسد که هنوز هم بعد از گذشت ۱۵ سال از دوره بعد از جنگ سرد نتوانسته است موفق گردد . این دو وسیله اصلی عبارتند از :

- ۱ - اشتعال جنگ های بی پایان مرئی مانند افغانستان، عراق ، لیبی سوریه و...، و نامرئی در متجاوز از ۵۰ کشور در آفریقا، آسیا منجمله خاورمیانه بزرگ و آمریکای لاتین
- ۲ - اشاعه و گسترش "تلاقی تمدن ها" از طریق حمایت های چند جانبه از بروز و رشد انواع و اقسام بنیاد گرایی دینی - مذهبی (سلفیسم تکفیری در خاورمیانه، سلفیسم دیوبندی در افغانستان، پاکستان و سلفیسم معتدل = اخوان المسلمین عمدتا در آفریقای شمالی).

- در نوشتارهای سال های اخیر (۲۰۱۵ - ۲۰۱۳) نگارنده به توضیح چرائی و چگونگی بروز و گسترش پدیده بنیادگرایی های دینی - مذهبی نه تنها اسلامی بلکه دیگر ادیان (صهیونیسم یهودیت، ایونجلیکای مسیحیت، لامانیسم در بودائیسیم، هندوتا در هندو ایسم) پرداخته است. هدف این نوشتار بررسی ویژگی های پدیده "داعش" (حکومت اسلامی) از یک سو و ارتقاء دانش و درک ما از نبرد تاریخی خلق کوبانی (که مظهری است نوین از مقاومت آشتی ناپذیر نیروهای تجدید طلب - روشنگری علیه نیروهای فاشیستی ضد تجدید و ضد روشنگری) از سوی دیگر، می باشد.

پیشینه داعش و رهبرانش

- داعش که امروز تحت نام "حکومت اسلامی" بعد از تسخیر نظامی بخشی از سوریه و عراق در بهار ۲۰۱۴ اعلام موجودیت کرده یک پدیده نوظهوری در تاریخ بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه و اولین نیروی فاشیستی به معنی واقعی اقتصاد سیاسی آن است که در کشورهای در بند جنوب به قدرت رسیده است . به عبارت دیگر در تاریخ معاصر کشورهای در بند جهان سوم ما شاهد شکلگیری و رشد احزاب و سازمان های فاشیستی بوده ایم ولی خلافت به اصطلاح اسلامی داعش در خاورمیانه



ایستادگی نیروهای روشنگری و تجدد طلب در مقابل نیروهای فاشیستی ضد تجدد و ضد روشنگری، خواهیم پرداخت.

منابع و مآخذ

- ۱ - یونس پارسا بناب، "تئولبر الیسم جهان ما را به کجا خواهد برد؟"، "شبکه نظامی - صنعتی و رسانه های گروهی انحصاری: مثلث امپراتوری نظام جهانی سرمایه" و "بحران عمومی نظام سرمایه: دو فرصت و دو تاکتیک" در کتاب "جهان در عصر تشدید جهانی شدن سرمایه" در آمازون دات کام، ۲۰۱۰.
- ۲ - مایکل کالکی، "آخرین فاز در دگردیسی سرمایه داری"، نیویورک، ۱۹۵۳.
- ۳ - سمیرامین، "جهانی که آرزو می کنم: اهداف انقلابی در قرن بیست و یکم" نیویورک، ۲۰۰۸.
- ۴ - درباره پیشینه شکلگیری و عروج داعش در خاورمیانه، رجوع کنید به:
 - مدارک ادوارد اسنودن درباره ابوبکر البغدادی.
 - گزارشات مجله "نیشن" چاپ نیویورک در ماه های می تا نوامبر سال ۲۰۱۴.
 - مقالات "اشپیگل آنلاین" چاپ آلمان در ماه های ژوئن تا نوامبر ۲۰۱۴.
 - مقالات منتشره در روزنامه "واشنگتن پست" و نشریه "مادر جونز" چاپ نیویورک در ماه های ژوئن تا دسامبر ۲۰۱۴.



به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com

سایت خبرنامه کارگری
www.karegari.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbaronline

سایت آرشیو روزنامه رنجبر
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

القاعده در شبه جزیره عربستان (آقاب در یمن) و امروز از اعضای برجسته گروه خراسان داعش است.

۸ - دیوید دراقن متخصص در بمب سازی و عضو شورای خراسان

۹ - عبدالله جدان ژورنالیست نشریه "دبیق" ارگان داعش در عراق.

- یکی دیگر از ویژگی های داعش دسترسی آن به منابع مالی است که حداقل از نظر مقدار و بعد دسترسی داعش را به بزرگترین نیروی مالی - نظامی بنیادگرای اسلامی تبدیل کرده است. اهم این منابع عبارتند از:

- ۱ - تسخیر بانک ها. ۲- رهائی زندانیان سابق بعد از دریافت میلیون ها دلار. ۳- غارت آثار و مدارک دست خطی موزه ها، کلیساها، مساجد و دیگر اماکن باستانی در شهرهای اشغال شده و فروش آنها از طریق بازار سیاه. ۴ - خرید گروگان ها و یا ربودن آنها و سپس فروش آنها. ۵ - فروش نفت بویژه خام از ایالات نفت خیز سوریه و عراق اشغال شده. ۶ - ربودن و یا دستگیری دختران جوان و فروش آنها در بازارهای معروف تجارت سکس جهانی. ۷ - از همه مهم تر حمایت بی دریغ مالی، نظامی و تسلیحاتی از سوی کشورهای عربستان سعودی، قطر، بحرین، امارات متحده عربی و بالاخره ترکیه، اسرائیل و تعدادی از کشورهای عضو ناتو به نیروهای داعش.

شاخه های متعلق به داعش

- با اینکه از تاسیس و رشد داعش بیش از ده سال نمی گذرد ولی امروز شاخه های قابل ملاحظه ای را در کشورهای آسیا و آفریقا سراغ داریم که بعد از بیعت با شخص خلیفه (ابوبکر البغدادی) به همکاری نزدیک با داعش (حکومت اسلامی) روی آورده اند. اهم این شاخه ها عبارتند از:

- ۱ - شاخه "داعش حلبچه" در کردستان عراق در نزدیکی مرز عراق و ایران به رهبری مرئوس حلبچه ای.
- ۲ - انصار بیت المقدس "ولایت سینا" در شبه جزیره سینا در شرق مصر با دو هزار عضو.
- ۳ - "جند الخلافة" شاخه داعش در کشور الجزایر به رهبری خالد ابو سلیمان.
- ۴ - "ولایت برقه" در شهر درنادر شمال شرقی لیبی و گروه "انصار شریعت" در کل لیبی.
- ۵ - "ابو حیاف" در جنوب فلیپین (در جزایر مینداناو).

- در بخش دو و پایانی این نوشتار بعد از بررسی نکات مهم ارتباط بین ظهور و رشد پدیده داعش با سیاست جهانی آمریکا در خاورمیانه جدید به ویژگی های مقاومت مردم کوبانی به عنوان مظهری دیگر از

عربی مظهر اولین قدرت فاشیستی است که در بخش جنوب جهان نیز بر سر کار آمده است. ۹ - نفر از رهبران فعلی داعش که به اسم "گروه خراسان" معروف است در زندان کمپ بوکا واقع در شهر قارما (یکی از زندان های آمریکا در کشور اشغال شده عراق) آموزش و پرورش فاندمنتالیستی دیده اند. این ۹ نفر که نزدیک به ۵ سال در زندان کمپ بوکا (از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹) زندانی بودند عبارتند از:

- ۱ - ابراهیم سامرائی معروف به ابوبکر البغدادی اولین خلیفه حکومت اسلامی
- ۲ - ابومسلم ترکمانی معاون البغدادی
- ۳ - حاجی بکر رهبر نظامی
- ۴ - ابوقاسم رهبر جنگجویان خارجی
- ۵ - ابومصعب زرقاوی (اهل اردن و بانی القاعده عراق در سال ۲۰۰۴):

سابقه فعالیت زرقاوی در همکاری با اوساما بن لادن به دهه ۱۹۹۰ در افغانستان می رسد. بعد از تسخیر نظامی افغانستان توسط آمریکا در سال ۲۰۰۱ زرقاوی از بن لادن بریده و از قندهار به هرات رفت. او در هرات مستقل از بن لادن به همکاری با نیروهای اشغالگر آمریکا در جهت سرنگونی رژیم صدام حسین در اوایل سال ۲۰۰۳ پرداخت. در این راستا، زرقاوی به عنوان شاهد از سوی کالین پاول وزیر دفاع وقت آمریکا در جلسه شورای امنیت سازمان ملل مورد استفاده قرار گرفت. او در این اجلاس در ژانویه ۲۰۰۳ ادعا کرد که صدام حسین در ارتباط مستقیم با بن لادن می باشد. پاول و دیگر نمایندگان آمریکا در سازمان ملل بعد از پایان اجلاس شورای امنیت که در آن مضافا اعضای شورای امنیت را مورد ارباب و ترغیب قرار دادند، برنامه حمله نظامی آمریکا به عراق را در ماه مارس ۲۰۰۳ آغاز کردند. بعد از اشغال نظامی عراق و سرنگونی صدام حسین، زرقاوی به عراق رفته و در آنجا رهبری القاعده عراق را بدست گرفت. بعد از مرگ او در سال ۲۰۰۶ رهبری گروه به دست ابراهیم سامره ای (ابوبکر البغدادی) افتاد. او بلافاصله اسم سازمان را به حکومت اسلامی عراق و سوریه (داعش) تغییر داده و با مرکزیت القاعده (ایمن الطواهری) قطع رابطه کرد. ۶ - محسن فضلی از رهبران قدیمی القاعده در افغانستان و پاکستان در سال ۲۰۱۲ در رهبری "جبهه النصره" از مرز ترکیه وارد سوریه گشت و امروز از رهبران معروف گروه خراسان (شورای نگهبان داعش= حکومت اسلامی) محسوب می شود.

۷ - ابراهیم الاسیری از رهبران شاخه



در جنبش جهانی کمونیستی

حزب کمونیست هندوستان

(مارکسیست - لنینیست) ستاره سرخ

فراخوان مشترک حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست) ستاره سرخ و حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست) پرچم سرخ

در دیدار امروز نماینده گان دوحزب در کلکته، دو تشکل تصمیم گرفتند در تشکل واحدی ترکیب شوند، حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست) پرچم سرخ، و پیام وحدت دوتشکل را به مثابه

مذهبی و تبدیل هندوستان به کشور هندیها را احساس نمودند. آنها ضرورت نیاز به مبارزه علیه انواع بخش گرائی، بخش گرائی هندی را به مثابه خطر عمده می دانند. هر دوتشکل تصمیم گرفتند هرچه زودتر کنفرانس وحدت رافراخوانند و شدیداً کارکنند تا کنگره دهم حزب در لوکنو با پیروزی بزرگی همراه شود. فراخوان مشترک در دیدار در زیر آمده است:

فراخوان مشترک حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست) ستاره سرخ و حزب کمونیست هندوستان

زمان آن فرا رسیده که پوتین و چین دلار کاغذ توالتی آمریکا را کیش و مات کنند

را در نبردی تن به تن با قلوه سنگ هلاک کرد. از این ساده تر چگونه می تواند باشد؟ از اواخر سال ما شنیده ایم که کشورهای بریکس به طروق مختلف دلار را از معاملات خود خارج کرده اند مخصوصاً، معاملات نفت با ارزهایی به غیر از دلار کاغذ توالتی انجام می گیرد. بسیاری از تحلیل گران مالی نیز این حرکت را با صدای بلند مطرح ساختند که از نظر ما کاملاً درست می گویند.

کاغذ توالتی آمریکائی را و ارزش آن را به لرزه درآورد. این پول هم چنین توسط قدرت نظامی ماشین جنگی انگلو آمریکائی و صهیونیستی حمایت می شود! ما قفلک می شویم زمانیکه برندگان جایزه نوبل، کارشناسان مالی، پروفیسورهای اقتصاد دان مدام به طور موزون و مکرر این سرود را می سرایند که سرنگونی به اصطلاح دلار آمریکائی به سادگی پهلوان غول آسای فلسطینی است که حضرت داوود

توسط ماتیوس چنگ -

۱۸ دسامبر ۲۰۱۴

Futur Fast Forward

ما بار ها و بارها گفته ایم که دلار آمریکا صرفاً پولی است مثل کاغذ توالتی. همانطور که تمام پولهای بدون پشتوانه هستند! اما افراد به اصطلاح عاقل بانک فدرال و بانک داران مرکزی و وال استریت مرتباً می گویند که دلار آمریکا ارز ذخیره جهانی است و هیچ چیز نمی تواند شکست ناپذیری

ایستادگی دلاوران خلق کوبانی در مقابله با تهاجم فاشیستی داعش

رهبری، منابع مالی و شاخه های آن در کشورهای آسیا و آفریقا، می پردازیم. در بخش دوم و پایانی بعد از تشریح ارتباط و همکاری رهبران داعش با نیروهای امنیتی آمریکا، اسرائیل و دیگر شرکای راس نظام به بررسی مقاومت مردم کوبانی تحت رهبری دولت خودگردان به عنوان مظهری دیگر از ایستادگی نیروهای روشنگری تجدیدطلب در مقابل تهاجم نیروهای فاشیستی ضد تجدد

تجزیه و تحلیل دقیق از استراتژی راس نظام جهانی سرمایه (آمریکا) در خاورمیانه جدید، نمی تواند بنحو ارزنده میسر گردد. - بنابراین امر در بخش اول این نوشتار بعد از بررسی مختصر اوضاع پر از تلاطم جهان همراه با علت العلل این اوضاع در چهارچوب سیاست جهانی راس نظام به توضیح شکلگیری و عروج پدیده فاشیستی داعش و مولفه های آن منجمله کیفیت

- بررسی جامع و مجمل مقاومت دلاوران خلق کوبانی علیه تهاجم فاشیستی (حکومت اسلامی) در کردستان غربی (روژئاوا - کردستان سوریه) نشان می دهد نبرد کوبانی مظهری کم نظیر دیگر در تاریخ مدرن جهان از رویارویی نیروهای روشنگری - متجدد با نیروهای ضد روشنگری فاشیسم، می باشد. بدون تردید این بررسی بدون توجه جدی به روند اوضاع متلاطم روبه رشد در جهان و

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی نشریه رنجبر:

ranjbar.ranjbaran@yahoo.com

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.info@yahoo.com

آدرس غرفه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org